

تاسر کوب قطعی توطنه‌های امریکا، آماده‌باش باید برقرار باشد

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:
اگر در چارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند فعالیت سالم سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند

عصر دیروز، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در یک مصاحبه مطبوعاتی در محل تالار مطبوعات مجلس بهرستهای خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد. از رئیس مجلس شورای اسلامی ایران پرسیده شد: «همانطور که اطلاع دارید، اخیراً دادستان انقلاب در آبادان و خرمشهر فعالیت سیاسی مجاهدین، فدائیان، حزب توده و گروههای دیگر را ممنوع اعلام کرده است. با توجه به اینکه از طرف مجلس هیچگونه قانونی در خصوص منع فعالیت احزاب و گروهها تصویب نشده است، نظرتما بعنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در این مورد چیست و در رابطه با فعالیت گروههای سیاسی موجود مجلس چه تصمیمی را اتخاذ خواهد کرد؟»

حجت‌الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: «همانطوریکه قبلاًم گفته‌ام اگر در چارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت از کارشان خواهد کرد.»

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: «قطب‌زاده گفته‌است که ایران تنها کشوری است که در مورد گروه‌گانه‌ها مقررات بین‌المللی را نقض کرده‌است، آیا این درست است؟» گفت: «خیر، ایران نقض بین‌المللی را نقض کرده‌است، بلکه این امریکاست که مقررات بین‌المللی را نقض کرده‌است. ایران در مقابل آنچه ظلم که از طرف امریکا دیده است یک مکتب‌المسل کوچک انجام داده‌است.»

توطئه بخشی از نقشه گسترده‌تری است که امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم امریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن طرح‌ریزی کرده، اجرای آنرا تدارک دیده و مراحل از آنرا (البته با ناکامی و شکست مفتضحانه) آزموده است. در این نقشه بجای کارانه منظمه وسیعی، از مرزهای جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه گرفته، تا غرب و جنوب غرب (مرزهای عراق) جنوب (سواحل خلیج فارس) و جنوب شرق (مرز پاکستان) در نظر گرفته شده‌است.

چندی پیش (اواسط تیر ماه) رسانه‌های گروهی خبر دادند که امریکا حمایت دولت ترکیه را برای اقدامات احتمالی خود و یا گروههای وابسته (آدمکشان ضدانقلابی) علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کرده است. این امر به دنبال مسافرت پی در پی معاونین وزارت خارجه و وزارت دفاع امریکا به ترکیه صورت گرفت، و در مقابل تعهد افزایش کمک نظامی

در خلیج فارس امریالیسم امریکا نیروهای دریایی، ناوهای هواپیمایی، بیادمنظام دریایی و دیگر نیروهای نظامی خود را بنام «نیروهای واکنش سریع» متمرکز کرده‌است، گسسه دربارهٔ کیفیت و کیفیت آنها وسایل ارتباط جمعی بقدر کافی خبر داده، حتی تصاویر آنها را منتشر کرده‌اند. **بقیه در صفحه ۸**

هستاد عملیات مشترک غرب کشور» آماده‌باش داده است. این آماده‌باش، که بی‌سازمانها تجاوزات محلی پی در پی نیروهای رژیم بعث عراق، تحریکات دامنه‌دار و عملیات تخریبی آنها در منطقه غرب و جنوب غربی ایران، تمرکز نیروهای عراقی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران، و در پی پرواز مکرر هواپیماهای عراق در آسمان غرب کشور داده شده است، کمال‌اهمیت را داراست.

اکنون مدت درازی است که رژیم بعث عراق آن سرزمین را بیکر از کانونهای توطئه مداوم ضدانقلاب پرورده امریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل کرده است. دامنه این توطئه، تحریکات و خرابکاریها تنها به منطقه کردستان و خوزستان محدود نمیشود. این

توان انقلابی مردم زمان خواهد توانست تجلی عینی یابد، که مردم تجویز شوند، و تجویز مردم به آن مناسبت که، برای سرکوب توطئه‌های امریالیسم و ضدانقلاب، همه مردم انقلابی، صرف‌نظر از تعلقشان به این یا آن سازمان سیاسی، به این یا آن مکتب و جهان‌بینی بسجج شوند و زیر میزترین شعار روز، درستگر واحد و علیه دشمن واحد، عنان بر عنان به پیش روند.

برای آنکه بتوان در سرکوب دشمن از نیروهای صادق انقلابی بحد کمال سود برده، باید به این نیروها در فعالیت سیاسی‌شان آزادی عمل داد. باید بند و زنجیر از دست و پا و زبانشان کشود، تا تمامی قدرت و تشکل و سازماندهی و افشاکاری‌شان را به تنصه ظهور آورند، و نه آنکه بردستی و یاوزبان‌شان بندند و عرصه فعالیتشان را تنگ و تنگ‌ساخت، که این برترید خواست ضدانقلاب است و خدمت نه انقلاب نیست. تجربه سایر کشورها و کشورها، تجربه سایر جنبشهای ضدامریالیستی

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۷
سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

محدود ساختن فعالیت سازمانهای انقلابی بسود انقلاب نیست

زمینه‌سازی امریالیسم در عرصه‌ها هستیم:

در عرصه اقتصادی، دست تبهکار امریالیسم از آستین سرمایه‌داران و وابسته و فئودالها و مدیران پلاغوتی بدرآمده، که از هیچگونه اختلال و خرابکاری در صنایع و بازرگانی و کشاورزی ما دریغ نداشته‌اند. در عرصه نظامی دو توطئه مسیبه راپشتسر نهاده‌ام و در آستانه پیاده‌شدن سومین توطئه هستیم.

و در عرصه سیاسی شاهد آنیم که چگونه در دورانی که اتحاد نیروها بیش از هر وقت ضرورت عینی یافته، دستهای در کارند تا جو اختلال و تشنج را غلیظ کنند و با ایجاد درگیری میان سازمانهای مختلف سیاسی، فضای همگامی و همیاری را به خصومت و کین‌توزی مبدل نمایند. **بقیه در صفحه ۸**

و جنبش ضدامریالیستی سپین ماه، می‌آموزد که، امریالیسم در تدارک توطئه‌های خود علیه نظامهای مترقی همواره نیازمند زمینه‌سازی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است. بی این زمینه‌سازیها، امریالیسم‌شان بی‌روزی ندارد. از اینجست است که هم با خرابکاریهای خود و عمل خود اقتصاد کشور مورد نظر را تخریب میکند، هم تدارک نظامی می‌بیند، هم زمینه سیاسی را فراهم میسازد.

امرالیسم زمینه سیاسی علیه انقلابیای ضدامریالیستی رابه‌شویوم‌های گوناگون آماده میکند، که کارآترین آن هیسه افکندن برآتش اختلافات، ایجاد جو تشنج و محدود ساختن فعالیت آن گروهها و سازمان‌هایی است که با امریالیسم‌سازش - ناپذیر و پستیپانان سرسخت انقلابیای ضدامریالیستی کشورخویشند. ما در کشور خود، گواه زنده

توان انقلابی مردم زمان خواهد توانست تجلی عینی یابد، که مردم تجویز شوند، و تجویز مردم به آن مناسبت که، برای سرکوب توطئه‌های امریالیسم و ضدانقلاب، همه مردم انقلابی، صرف‌نظر از تعلقشان به این یا آن سازمان سیاسی، به این یا آن مکتب و جهان‌بینی بسجج شوند و زیر میزترین شعار روز، درستگر واحد و علیه دشمن واحد، عنان بر عنان به پیش روند.

برای آنکه بتوان در سرکوب دشمن از نیروهای صادق انقلابی بحد کمال سود برده، باید به این نیروها در فعالیت سیاسی‌شان آزادی عمل داد. باید بند و زنجیر از دست و پا و زبانشان کشود، تا تمامی قدرت و تشکل و سازماندهی و افشاکاری‌شان را به تنصه ظهور آورند، و نه آنکه بردستی و یاوزبان‌شان بندند و عرصه فعالیتشان را تنگ و تنگ‌ساخت، که این برترید خواست ضدانقلاب است و خدمت نه انقلاب نیست. تجربه سایر کشورها و کشورها، تجربه سایر جنبشهای ضدامریالیستی

امریالیسم امریکا از همان آغاز بیروزی انقلاب، در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع خصمانه گرفت، با همه تدارکات جنگی‌اش در اتیانوس هند و خلیج فارس، با متحدان غربی و خیل کشورهای دست‌نشانده‌اش در منطقه، با مزدوران ایرانی‌اش در عراق، مصر، پاکستان و ... یا جاسوسان گوش بفرمان در بندند دستگاه دولتی و ارتش، با شبکه ساواکیهای سازمان‌یافته‌اش به پنهانی کشور.

برای مقابله با این دشمن کین‌جو، قس و درندخوا، انقلاب ایران نیز باید به تحکیم مواضع خود متکی باشد. همگام و صفون انقلاب را در برابر امریالیسم امریکای ضدانقلاب دست‌پرده‌اش، خارا کین سازد و آرایش رزمی دهد. تردید نیست که ذخایر عظیمی از توان انقلابی در مردم وجود دارد، که باید از آن برای مقابله با دشمن مدد گرفت و آنرا در خدمت دفع امریالیسم و تثبیت و تحکیم انقلاب گماشت.

ضدانقلاب در عمل

یک کارنامه سیاه و سرپا تبهکاری
صفحه ۳ و ۶

صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به کارگران چاپ تبریک می‌گوئیم
کارگران انقلابی و آگاه صنعت چاپ
تحریکات ضدانقلابی را برای ایجاد تشنج و درگیری خفتی کردند
صفحه ۷

ملاقات اشرف و بختیار در پاریس

پلیس فرانسه فعالیت ضد انقلابیون فراری ایران را زیر حمایت خود گرفته است دولت ایران برای مقابله باروش دولت فرانسه چه اقدامی کرده است؟

اینکه فرانسه یکی از کانونهای مجمع ضد انقلابیون فراری ایران است، بر همه روشن است. آخرین خبری که در این زمینه بدست آورده‌ام، در مورد ملاقات اشرف بختیار در تاریخ ۲۵ مرداد ۵۹ در پاریس است. این ملاقات در محل ملاقات بختیار و زیر حمایت پلیس فرانسه انجام گرفته است. و اینهم تا زگی ندارد. دولت و پلیس فرانسه مدتهاست که فعالیت ضدانقلابیون فراری ایران را آشکار و پنهان زیر حمایت خود گرفته‌اند. آنچه روشن نیست و لذا مورد پرسش است، اینست که دولت و وزارت امورخارجه ایران در برابر روش دولت و پلیس فرانسه در حمایت از ضد انقلابیون فراری ایران چه اقدامی کرده‌اند؟

نامه سرگشاده - هیئت مؤسس انجمن سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان - به وزارت محترم کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران
صفحه ۷

نیست. برای یک لحظه تصور کنید که، مملکت سر کلاس نروند نه‌نمندان کارخانه را ترک کنند. پزشکان دست از انجام وظیفه خود بردارند و... پس از آن دیگر چیزی خود جسمه همه از حرکت باز خواهند ماند هر قدر جامعه بسوی ترقی پیش برود، نقش این توده عظیم روشنفکر در اداره امور مختلف جامعه بیشتر خواهد شد. این یک طرف مسئله است که باید به اهمیت نقش روشنفکران واقف بود.

طرف دیگر مسئله آنست که بخش اعظم همین توده روشنفکر، که در میان دو گروه اول و دوم جای دارد، نیز نظام جا و اندیشه‌های انقلابی آنرا بسادگی نمی‌پذیرد. انقلاب در ظرف چند ساعت نظام شاهنشاهی را به‌نظم جمهوری اسلامی تبدیل کرد، اما نه در ظرف چند ساعت بلکه در ظرف چندین سال نیز نمیتوان اندیشه‌های انقلابی را در متن این روشنفکران جای داد. تغییر معتقدات، جهان‌بینی و ناآشنایی چنین روشنفکرانی بسادگی ممکن نیست. کوشش برای ایجاد این تغییر از **بقیه در صفحه ۸**

معیار پاکسازی

یکدمتی نیستند. روشنفکرانی هستند چون هویدا و آموزگار و شریف‌امامی و... که از کارگزاران مستقیم رژیم گذشته‌اند و شریک جرم تمام‌چینایات آن. روشنفکران دیگری هستند چون آرائی، ابراهیمی، گل‌سرخ و... که سرسختانه یا دریم دست‌نشانده‌های مبارزه کرده و برخی در این مبارزه جان خود را فدا کرده‌اند. اما توده روشنفکران، نه از گروه اولند و نه از گروه دوم.

برخورد انقلاب با هر یک از دو گروه بالا روشن است: گروه اول را طرد میکند و، بر حسب میزان جرمی که مرتکب شده‌اند، آنان را مجازات میکند، عطاایشان را به لقایشان می‌بخشد و هر قدر هم متخصص عالم «برجسته» باشند، آنانرا از صحنه زندگی اجتماعی می‌رانند. در بین این گروه عالم حقیقی نیز بندرت دیده میشود.

بختان آیت‌الله العظمی منتظری در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری پارس، که متن آنرا روزنامه‌ها (اول شهریور ۵۹) منتشر کردند، حاوی نکات بسیار جالب و مهمی است، بخصوص که ایشان این مسائل را پس از ملاقات با امام خمینی و با موافقت ایشان اظهار داشته‌اند.

آیت‌الله منتظری در این مصاحبه مسئله‌ای را مطرح میکند که در هر انقلاب امیلی یکی از مهمترین مسائل است: یا روشنفکرانی که از رژیم سابق بجای میمانند، چه باید کرد؟

در نظام شاهنشاهی طبقات حاکم میکوشیدند، روشنفکران را طبق «دولت» دلخواه خودشان تربیت کنند، ایدئولوژی خودشان را به آن تفریق نمایند و آنانرا بخدمت خود بگمارند، و بهین دلیل نیز به آنان که تسلیم میشدند، حقوقهای گران‌میرداختند، تا آنان را «راضی» نگاه دارند. بدین است که آنان اسباب این «رضایت» را از جیب زحماتشان فراهم کردند.

ولی مردانم که روشنفکران تفر

برای مبارزه با امریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به کارگران چاپ تبریک می گوئیم

همچنانکه در شماره دیروز نامه مردم نسبت به آگاهی کارگران صنعت چاپ در تعلق صحیح مبارزات صنعتی خود با ضرورت‌های انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران ابراز امتداد کردیم، بلمسرت خاطر نشان می‌سازیم که کارگران آگاه موفق شدند مشکلی را که می‌توانست مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد یا خونریزی و بدرستی حل کنند کارگران صنعت چاپ با توجه به جو موجود و اینکه ضدانقلاب در کین بزمبرداری از طرح تقاضای قانونی و بحق آنان نتسته و هم‌پنین در نظر گرفتن این امر که وزارت کشور کشور جمهوری اسلامی رامیگانی آنان را جایز ندانسته بود از برهائی رامیگانی خودداری کردند

توضیحاتی که اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران و حومه، که یک سندیکای قدیمی است و متجاوز از ۱۵ سال سابقه فعالیت دارد، باجماعت کنندگان برای برهائی تظاهرات و رامیگانی دادند توضیحاتی بسیار مستدل و قانع کننده بود. پایه این توضیحات را این اصل مسلم قرار می‌دهد که کارگران محترم و نیرومندترین قدرت مدافع انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی هستند و کاملاً آگاهی دارند که انتخاب شیوه مبارزات صنعتی آنان امریست که باید در ارتباط با موقع زمانی و مکانی و تناسب نیرو بین انقلاب و ضدانقلاب صورت گیرد. زمانی که ضدانقلاب در کین نتسته تا تظاهرات کارگران را بهانه ایجاد هرج و مرج و آشوب ضدانقلابی قرار دهد مسلماً کارگران ولو در سختترین شرایط قبول صبر و تحمل انقلابی را بر دستزدن به اقدامات حادی کمی‌تواند مورد استفاده دشمن قرار گیرد. ترجیح میدهند کشتن از استدلال منطقی اعضاء هیئت مدیره که بدرستی متذکر شدند در شرایط کنونی برای تامین خواستهای صنعتی کارگران باید شیوه مذاکره و توجه دادن مقامهای مسئول جمهوری به وضع سخت و طاقت‌فرسای خود را در پیش گیرند، جو قبول این نظریات از طرف کارگران صنعت چاپ قابل تحسین و توجه است. این جو که دیروز صبر در اجتماع کارگران حاکم بود، نشانه سطح بالای آگاهی در میان آنان است. باوجود چنین آگاهی در میان کارگران میتوان از ایضای نقش واقعی طبقه کارگر ایران در جریان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی یا اطمینان سخن گفت.

صبر و تحمل از آگاهی قلبی کارگران صنعت چاپ که با خودداری از انجام رامیگانی و اکتفا به تجمیع خود در خانه کارگر و قرائت قطعنامه تنظیمی در همانجا (من قطعنامه عینا نقل میشود) از وقوع توطئه مسمی جلوگیری کرده بجهت شکست صدای قلیل توطئه‌گران فرجبری را متذکر شویم. ایشان که با علم و کمال آماده بقصد تحریک و مسلح تجمیع کارگران آمدند بودند، بر اثر تصمیم صحیح و منطقی کارگران با دست خالی بازگشتند.

در خانه بجهت یادآور شویم، همانگونه که کارگران آگاه صنعت چاپ یا ابراز صبر و تحمل انقلابی مقامات جمهوری اسلامی را در حفظ آرامش در روزهای بسیار بحرانی، که ضدانقلاب از خارج و داخل مشغول توطئه است یاری دادند، آنان نیز بنوبه خود نباید از حل مشکلات کارگران و قبول تقاضاهای بحق آنان خودداری نمایند.

خواستهای کارگران صنعت چاپ در قطعنامه خود طرح کرده‌اند. علاوه خواستهای است که از جانب همه کارگران طرح شده، پذیرش و اجرای این خواسته از جانب دولت جمهوری اسلامی و وزارت کار برای همه کارگران است.

ما امیدواریم، همانطور که در قطعنامه کارگران خواسته شده پذیرش تقاضاهای آنان به اسرع وقت صورت گیرد. تا بدینوسیله هم موجبی برای تجمع مجدد کارگران پس از دو هفته دیگر در بین نباشد و هم دیگر سازمانهای کارگری توجه یابند که در شرایط حاضر می‌توانند با تکیه بر شیوه‌های سالم‌جویانه و مذاکره خواستهای قانونی و بحق خود را محقق بکنند.

کارگران فرصت خوبی در اختیار مقامات جمهوری اسلامی گذاشته و به تمام معنی حسن‌نیت خود را ابراز داشته‌اند. اینک توبت مقامات مسئول جمهوری اسلامی است که با همین حسن‌نیت به استقبال خواسته‌های کارگران بروند.

سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران و حومه بنام خدا - قطعنامه راهپیمایی کارگران صنعت چاپ

با قیام شکوهند ملت محمود ایران و برانداختن سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن و ایجاد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی، ما کارگران انتظار بیشتری از ارگانهای مسلکی داتته و خواهران این‌بوده و هستیبه که هیچیک از ارگانها یا افراد مصمم خودسرانه‌ای برای ما اتخاذ نمایند و امور ما کارگران را بپنودمان واگذارند و هرگونه تصمیم‌گیری بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران را از پیش محکوم میکنیم، چونکه تصمیمات یکطرفه فقط جوده و مانند همین قانون لنو سودوریزه که بضع سرمایه‌داران بوده و موجب افزایش غرضانیتی در جامعه گشته و نهایتاً بسود امپریالیسم تمام میشود

لذا ما کارگران خواستاریم که:

- ۱- ما خواهان لنو قانون جدید سود ویژه که به نفع سرمایه‌داران است، مریضان و پرداخت آن بر مبنای آخرین دستمزد (بیمانه‌های دستمزد) تا تصمیم جدیدی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ شود، مریضانیم.
- ۲- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران مریضانیم.
- ۳- ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بیکار بسر کار خود و جلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران مریضانیم.

در پایان اعلام مینماییم که وزارت کار طی پاترزه دوز آینه از ۹۳ تا ۹۴ لغایت ۱۸ تا ۱۹ اگر به خواسته‌های بر حق و مسلم ما کارگران پاسخ مثبت ندهد، ما کارگران از روز ۱۹ تا ۲۰ با تجمع خود در وزارت کار خواهان جواب قطعی خواهیم بود.

رونوشت: دفتر امام - ریاست جمهوری - نخست‌وزیر - مجلس شورای اسلامی - وزارت کشور - وزارت کار و مطبوعات

معلم مبارز و متعهد نظر آباد هشتگرد را آزاد کنید!

زندانیهای انقلاب محل نگاهداری توطئه‌گران و جاسوسان امپریالیسم آمریکاست نه جای انقلابیون چندی است که آقای محمدقلی بناهی وحدت، یکی از دیران انقلابی و متعهد نظر آباد هشتگرد، به اتهامات راهی و بنابه تحریکات افرادی مشکوک توسط سپاه پاسداران کرج بازداشت شده‌است. وی جزو معلمان مبارزی است که در زمان رژیم شاه سابق همواره در مبارزه با ظلم و فساد آن بود و حتی چندبار نیز به این خاطر به زندان افتاد.

دستگیری این دبیر زحمتکش با تحریکات مستقیم و غیرمستقیم افرادی به نام‌های یکتاش و غلامی صورت گرفته‌است. یکتاش فردی است که در زمان رژیم شاه سابق بعنوان عضو انجمن شهرستان و مسئول برگزاری جشن پنجاه ساله سلطنت با آن رژیم همکاری می‌کرده‌است و پس از انقلاب نیز تمام کوشش خود را برای کوبیدن نیروهای مترقی و انقلابی و ایجاد تفرقه در بین گروهها قرار داده‌است. او با انتشار نشریه‌ای بنام «دوشتگر»، که برعکس نامش نه تنها به تبلیغ افکار انقلابی در بین مردم نسیب‌دازد، بلکه با قهقاشی به نیروهای انقلابی و دوستان انقلاب، در درون کشور و در سطح جهان راد پش گرفته‌است. مسموم کردن اذهان مردم و ایجاد انحراف در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب را وظیفه خود قرار داده‌است.

بر اثر انتشار اسنادی که نشاندهنده فعالیت یکتاش در انجمن شهر حزب رستاخیز بوده‌است، دانش‌آموزان مدارس شهر توجه مایهت این فرد شده‌اند و در چند مورد حتی از سخنرانیهای وی جلوگیری کرده‌اند. این فرد بانقونی که هر اداره آموزش و پرورش هشتگرد و نیز در بعضی از کسبه‌ها و سپاه پاسداران کرج دارد، حتی سعی زیادی کرد تا محمد قلی وحدت را از وزارت آموزش و پرورش تصفیه کند.

گروهکهای چپ‌نما مانند هم‌جا در این شهر نیز در ایجاد جو تشنج و نفاق در میان نیروهای مختلف مشغول بوده و هستند و این مسئله باعث شده‌است که افرادی مانند یکتاش بیانه‌های لازم را برای تصفیه افراد انقلابی بدست آورند و آنها را به اتهام «وایستی» به این گروهکها مورد حمله و افترا قرار دهند. از جمله بدنبال اعدام تقی شهرام، این گروهکها دست به تظاهرات و ایجاد هرج و مرج در شهر می‌زنند و این عمل آنان که منجر به درگیری شدیدی می‌شود، بیانه لازم را برای تبلیغات علیه نیروها و افراد انقلابی بدست افراد معلوم‌الحال می‌دهد.

در جریان این درگیری‌ها، فردی بنام غلامی، که از نزدیکان یکتاش است با استفاده از اوضاع تشنج، مردم را تحریک می‌کند و کاذب سفیدی را برای اشیاء در جهت تصفیه و محاکمه افرادی مانند وحدت به آنان عرضه مینماید. وی سپس روی این کاذب سفید متنی را به دلخواه خود مینویس و شرکت وحدت (که در آن زمان اصلاً در نظر آباد نبود) بعنوان عامل اصلی درگیری، تنظیم و تقاضای بازداشت وی را می‌کند و این نامه را به سپاه پاسداران کرج می‌فرستد. بدنبال بازداشت وی توسط سپاه پاسداران کرج، همسر آقای وحدت شکایتنامه‌ای از یکتاش و داروستانش به کمیته عظیمی ارائه می‌دهد و این نامه را توطئه‌ای علیه همسرش مرقمی می‌کند. مسئولین کمیته پس از بررسی این مدارک حتی دستور بازداشت یکتاش را میدهند، ولی بعلمت نفوذی که یکتاش در این ارگانها دارد، بازداشت وی انجام نمیگیرد.

بدنبال بازداشت آقای وحدت، رئیس آموزش و پرورش هشتگرد در طی سخنرانی در مسجدی در شهر، به بازداشت وی اعتراض کرده‌است. بعد از این سخنرانی عده‌ای از کسانی که کاذب سفید را اشیاء کرده بودند، از عمل خود پشیمان شدند و اعلام کردند که وحدت در آن درگیری هیچگونه نقشی نداشته‌است.

با اینکه اکنون ۲۸ روز از بازداشت این معلم مبارز و متعهد می‌گذرد و بر طبق مدارک و اسناد موجود بیگناهی وی کاملاً روشن و مسلم است، ولی هنوز بر زندان‌ها مریزده و در عوض کسانی که می‌بایست در زندان باسند، آزاد هستند توطئه‌های انحرافی و ضدانقلابی خود ادامه میدهند. ما از مقامات مسئول، بخصوص مسئولین سپاه پاسداران کرج میخواهیم که این معلم مبارز را هر چه زودتر آزاد کنند و زندانیهای جمهوری اسلامی ایران را به نگاهداری توطئه‌گران و ایادی سرسپرده امپریالیسم آمریکا، اختصاص ندهند، نه محل نگاهداری مومنین و متعهدین به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران.

نامه سرگشاده - هیئت مؤسس انجمن سندیکاهای نمایندگان کارگران استان کرمان به - وزارت محترم کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

محابت قاضی ندارد؟
لطفاً بما بگوئید، کدام یک از این دو اظهار کاملاً منافیست و متضاد نظر رسمی وزارت کار است؟
۳- اصل بیست و ششم از فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میگوید:
«اجزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنعتی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتیهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط باینکه اصول استقلال آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در آنها مجبور ساخت.»

با توجه به قسمت اخیر این اصل، آیا اظهارات آقای وزیر، بعنوان یک مقام مسئول، نوعی ممانعت از شرکت کارگران در «انجمنهای صنعتی» و ترغیب آنها به شرکت در شوراهای مورد نظر تلقی نمیشود؟
ما در وجود اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کمال وضوح در اصل ۲۶ خود بر این حق مسلم کارگران تأکید میکند، انجمنهای صنعتی خود را تشکیل دهند و در درون این سازمانهای صرفاً و مطلقاً کارگری از حقوق اقتصادی و سیاسی خود دفاع کنند، و شوراهای طبق اصل صد و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهادهایی هستند به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برآمدها و اینها همه همگی در پیشرفت امور واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی.

بر واضح است که انجمنهای صنعتی و شوراهای در نهاد مجزا از هم هستند و بدیهی است که نمیتوان هیچیک از آنها را به جای دیگری نهاد. زیرا طبق اصول قانون اساسی هر یک از آنها دارای ترکیب، حقوق و وظایف خاص خود هستند. پس تداخل وظایف این دو نهاد و برخوردش نمون مرز آنهاست. تجمیع حق مسلم ما کارگران است و ایجاد ابهام در وظایف شوراهای و سندیکاهای، دو نهادیکه تکالیف هر یک از آنها را در اصل جداگانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وضوح تمام معلوم و معین نموده‌است و دستگاه اجرائی ذیربط فقط مکلف به اجرای صحیح و دقیق آن است.

بهرحال ما برآنیم تا از تمام حق مسلم و مشروعیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی بما داده‌است استفاده نمائیم و هیچگونه تصحیح و تحریفی را در این رابطه نپذیریم.

هیئت مؤسس انجمن سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان سندیکای مجتمع می سرچشمه
سندیکای معدن اسفند و آبدشت
سندیکای شرکت ملی نفت ناحیه کرمان
سندیکای سازمان آب کرمان
سندیکای کارگران کوی نوب آهن کرمان
سندیکای کارگران کارخانه قد بریسر
سندیکای کارگران پسی گولای کرمان
سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان
سندیکای آب و برق منطقه‌ای کرمان
نماینده کارگران پرگمنظته‌ای رفسنجان
نماینده کارگران شهرداری رفسنجان
نماینده کارگران آجرماشینی
نماینده کارگران کارخانه خانه‌سازی کرمان
نماینده کارگران شهرداری بریسر
نماینده کارگران پرگمنظته‌ای سیرجان
نماینده کارگران شهرداری سیرجان
نماینده کارگران صنایع فولاد
نماینده کارگران کرمان نرمان
نماینده کارگران آبیاری جیرفت
نماینده کارگران شهرداری جیرفت
نماینده کارگران شرکت مخابرات رفسنجان
نماینده کارگران شرکت خوراک کرمان

احتراماً باستحضار میرساند، سخنان وزیر محترم کار در مورد سندیکاهای در برنامه تلویزیونی جمعه شب مورخ ۰۹/۰۳/۵۹ مایه بسی تعجب و تاسف ما کارگران گردیده است. ما در موارد ذیل نظریات رسمی خود را اعلام فرمائید:

- ۱- یقیناً وزارت محترم کار و امور اجتماعی در مقام یک دستگاه اجرائی متعهد و مسئول به حرمت و اعتبار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که خونهای صدها هزار شهید و مصدوم و حاصل چندین دهسال مجاهدت و فداکاری بیدریغ ملت ماست، واقف و ناظر است. و قطعاً باین اصل مسلم عنایت دارند که سایر قوانین و از جمله قانون کار هرگز نمیتواند بدون توجه بامول قانون اساسی و خارج از حدود و ثنور آن تدوین شود یا نافی و ناقض اصول قانون اساسی باشد. و مطمئناً استحضار دارند که اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل انجمنهای صنعتی (و طبق اصل بیست و ششم قانون اساسی) را حق مسلم و بی‌چون و چرای کارگران میدانند و آنرا جزئی از حقوق مردم شمرده‌است.
- ۲- بآزم میدانیم که هم مقامی جز مجالس مقننه اهلیت و صلاحیت آنرا ندارد که قوانین را تصحیح، توجیه، و یا تصحیح نماید. با توجه بمراتب فوق و با عطف به اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، که میگوید تشریح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، این سخنان وزیر محترم کار را که گفته‌اند: «من گمان میکنم با وجود این شوراهای دیگر احتیاجی بوجود سندیکا نباشد» یا چگونه توجیه میکنید؟
- ۳- آیا این نظریات شخصی و سلیقه‌های فردی یا جمعی میتوانند جایگزین نص صریح قانون و آنچه اصول قانون اساسی گردد؟
- ۴- آیا وزارت کار در مقام یک ارگان اجرائی مجاز است بنابه سلیقه و عقیده خویش قانون اساسی را تفسیر، توجیه و یا تصحیح نماید؟
- ۵- اصل بیست و ششم قانون اساسی تشکیل انجمنهای صنعتی را حق مسلم کارگران شناخته، هرگونه اقدامیکه در جهت تحدید یا تصحیح این حق مسلم کارگران بعمل آید، مورد اعتراض شدید ما است.
- ۶- همچنانکه استحضار دارید در دیماه سال گذشته اداره کل کار کرمان کتبا و رسماً از کلیه سندیکاهای و نمایندگان کارگران دعوت بعمل آورده بود، تا نسبت به تدوین قانون جدید کار اظهار نظر کنند، باین مناسبت در جلسه مورخ ۰۲۸/۰۳/۵۹ در اداره کل کار کرمان، با شرکت ۱۴ سندیکا و نمایندگان ۱۱ واحد کارگری و با حضور نماینده‌های وزارت کار جمهوری اسلامی ایران و مدیرکل اداره کار کرمان، قطعنامه‌ای در ۲۹ صفحه و ۴۰ مورد با توافق آراء بتصویب رسید، که عین آن در همان تاریخ از طریق اداره کار و هم بوسیله خود ما بوزارت کار تسلیم شد (رونوشت تصفیه‌است).
- ۷- در سر آغاز این قطعنامه «تقویت و تحکیم و توسعه حقوق سندیکاهای مورد تقاضا بوده و اولین ماده قطعنامه را شامل است. دفتر مطالعات و طرح برنامه وزارت کار در پاسخ باین قطعنامه طی نامه شماره ۰۸۵۸/ب مورخ ۰۴/۰۳/۵۹ نوشته‌اند:
- ۸- سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان، ضمن وصول قطعنامه مورخ ۰۲۸/۰۳/۵۹ کارگران استان کرمان، که متضمن اظهار نظر در مورد قانون کار فعلی و پیشنهادات کارگران کرمان بوده‌است، با اطلاع میرسانند:
- ۹- نظرات جالب و پیشنهادات ارزنده‌اشما در اختیار کمیته‌های تدوین طرح قانون کار گذاشته شده و مسلماً به آن توجه دقیق خواهد شد و در تدوین طرح قانون حقوق حقه کارگران در نظر گرفته خواهد شد. این کمیته از همکاری و همفکری برادران کارگر استان کرمان بگرمی استقبال میکند. از مساعدت و همکاری سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان تشکر مینمایم.
- ۱۰- دفتر مطالعات طرح برنامه وزارت کاره
- ۱۱- آیا اظهارات جناب آقای نمتزاده، بعنوان وزیر کار در تلویزیون، یا این پاسخ رسمی و کتبی وزارت کار، که در بالا به آن اشاره شده،

گذری به روستاهای اطراف اراک

کبابی مشکل عمده کشاورزان گیلی است

روستای گیلی از بخش مشک آباد دودره ۲۵ کیلومتری جاده اراک - خمین واقع است. در این روستا حدود ۱۶۰ خانوار (۹۰۰ نفر) زندگی می‌کنند، که ۵۰ خانوار آنها را زحمتکشان بی‌زمین (خوش نشین) تشکیل می‌دهند.

در روستا از آب لوله کشی، برق، درمانگاه، حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی خبری نیست. اغلب زمینهای روستا دیم‌زار هستند و محصولات عمده روستا گندم، جو، پیا زولوبیا است. در روستا شورای ده تشکیل شده است، که چهار عضو دارد، ولی به علت عدم امکانات، شورای ده تاکنون موفق به انجام کاری برای روستا نبوده است. مشکل آب کشاورزی یکی از مشکلاتی است که اغلب روستائیان این منطقه از آن زجر می‌کشند. در فاصله چند کیلومتری روستا، با دوفرا زحمتکشان گیلی، که مشغول غربال کردن جو هستند، صحبت می‌کنیم.

عربعلی، پیرمردی که در حدود ۶۵ سال از سنش می‌گذرد، می‌گوید:

"مشکل ما گیلی‌ها، بی‌آبی است. از کمی آب مجبور شدیم از گیلی به اینجا بیاییم و یک قطعه زمین را بکاریم."

وی یک کوت جورا، که در حدود ۲۰۰ کیلو است، به ما نشان داده می‌گوید:

"این کوت سهم من است. نصف محصول را بابت آب و زمین به صاحب آن می‌دهم."

این حامل زحمت چندین ماهه منست. در قطعه زمین دیگری ۱۰۰۰ تومان پول تراکتور دادم و زمین را شخم زدم و گندم

پاشیدم، ولی از بی‌آبی هیچ بدستم نیامد."

محمدحسین، که یکی از دهقانان بی‌زمین گیلی است، می‌گوید:

"سرعائله دارم، ولی زمین برای کشت ندارم و مجبورم برای سیر کردن گاو بچه‌ها یا عملی کنم و یا روی زمین دیگران کار کنم."

قاسم یکی دیگر از دهقانان بی‌زمین می‌گوید:

"با ۱۰۰ سرعائله حتی یک وجب زمین (ربعی) ندارم. تازه اگر هم زمین داشتم از بی‌آبی نمی‌توانستم بکارم."

روستای گیلی ۲ قنات دارد، که به علت عدم لایروبی، آب آن خیلی کم است البته جهاد سازندگی اراک با کمک اهالی مشغول لایروبی یکی از قنات‌هاست.

عمده‌ترین خواست روستائیان گیلی کمک دولت در زمینه آبرسانی است. آنها می‌گویند:

"اگر مسئولین امر به ما کمک کنند، خواه عمیق بزنند، از این نظر مشکل ما حل می‌شود."

روستای گیلی فاقد حمام بهداشتی است و حمام روستا به صورت خزینه‌ای است.

اهالی روستای کمال آباد از دولت انقلاب تقاضای کمک دارند.

روستای کمال آباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک واقع است. زحمتکشان این روستا، که جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰ نفر است، به علت عدم امکانات مالی، از داشتن برق محرومند. با اینکه برق منطقه‌ای تمام روستاهای اطراف را پوشانده است، زحمتکشان این روستا توانایی پرداخت هزینه‌های اولیه برای برق رسانی به این روستا ندارند. در ضمن به علت همین کمبود قدرت مالی روستائیان، فعالیت‌های جهاد سازندگی برای احداث حمام برای روستا متوقف مانده است.

اهالی این روستا از دولت و نهادهای انقلابی، در خصوص جهاد سازندگی، انتظار دارند که در تمام ساختمان حمام، که احداث آن از یک سال پیش متوقف شده است و دیگر امکانات اولیه زندگی نظیر آب آشامیدنی، برق و امکانات بهداشتی به آنها تدارک برسانند.

روستای چمانکه در کدام عصر زندگی می‌کنند؟

در ۲۵ کیلومتری اراک، در میان کوه‌سایه‌ها، خانه‌های مخروبه‌ای به چشم

می‌خورند. اینجا روستای جمالک است. جمالک، از بخش مشک آباد، یکی از هزاران روستای فقیر زده، میهن ما است. که بر اثر سیاست‌های ویرانگرانه رژیم سرسپرده شاه سابق به صورت مخروبه‌ای درآمد است، و در نتیجه نصف اهالی آن مجبور به مهاجرت از روستا شده‌اند.

جمالک فاقد ابتدائترین امکانات زندگی است و حتی مغازه‌ای در آن وجود ندارد و روستائیان برای خرید کبریت هم ناچارند به اراک بروند.

در جمالک قبلاً ۶۰ خانوار زندگی می‌کردند، ولی اینک فقط ۳۰ خانوار (۱۵۰ نفر) از آنها باقی مانده‌اند و بقیه به مرور روستا را ترک کرده‌اند. از این ۳۰ خانوار، ۱۰ خانوار از دهقانان بی‌زمین تشکیل می‌دهند.

روستا در حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین مزروعی دارد، ولی بر اثر نبودن آب بیشتر زمینها بدون استفاده مانده‌اند.

روستائیان علاوه بر کشت و زرع، باقی هم می‌کنند و تقریباً تمام زنان جمالک به این کار اشتغال دارند.

یکی از اهالی جمالک می‌گوید:

"زکشا و زری چیزی عاید ما نمی‌شود و بیشتر در آمد ما از طریق قالیبافی تا می‌شود."

وی با لبخندی می‌افزاید:

"خرج ما را زنهایمان تا مین میکنند برای آشنائی بیشتر با مشکلات عظیم این زحمتکشان، پای صحبت آنها می‌نشینیم."

آقای جلال ونیدی، که رئیس شورای ده جمالک است، در ۳ کیلومتری روستا مشغول درو کردن گندم است. بوته‌های گندم از بی‌آبی اغلب پراکنده‌اند و به نظر میرسد فاقد دانه باشند. وقتی ما را می‌بیند، می‌گوید:

"شاهم نمی‌توانید کاری برای ما انجام دهید. دهها نامه نوشتیم، دهها بار به فرمانداری رفتیم، نزد ما هممه اراک رفتیم و... ولی یا به ما وعده دادند، یا ما نند فرمانداری به ما گفتند شما اولویت ندارید."

ما هیچی نداریم. هیچ دلخوشی نداریم. برای مثال: حمام خزینه‌ای ما ۴ ماه خوابیده بود و حتی نمی‌توانستیم خودمان را تمیز کنیم. از بی‌آبی کر عذابیم و..."

وی درباره اداره‌ها می‌گوید:

"اینها اصلاً به کار مردم رسیدگی نمی‌کنند. با پداین ادارات را، همانگونه که امام دستور داده‌اند، جدا تمقیه کنند. در زمان طاغوت که برای ما هیچ کاری نکردند، ولی ما از دولت انقلابی خود توقع داریم به وضع ما رسیدگی کنند."

به روستا که وارد می‌شویم، اهالی ما را احاطه می‌کنند و هر کدام به نوعی از درد مشترک خود سخن می‌گویند.

حاج محمدنسی، عضو دیگر شورای ده، با حالتی گرفته و خشمگین می‌گوید:

"روستای ما را خالی کرده‌اند، چرا؟ فقط به علت نبودن ابتدائترین امکانات در ده، نبودن آب برای کشت و زرع، روستای ما خالی شده. اگر به وضع ما رسیدگی نشود، بقیه هم مجبور می‌شویم روستا را ترک کنیم، آواره شهر شویم."

از وی درباره فعالیت شورای ده سؤال می‌کنیم. در پاسخ می‌گوید:

"ده بار به استانداری، فرمانداری و دیگر مراجع مشغول مراجعه کردیم، ولی حتی یک قدم هم برای ما برنداشتند، که نتیجه گرفته باشیم. شورا تا به حال هیچ کاری نتوانسته است بکند."

عشقعلی، پیرمرد مهربان و زحمتکش جمالک با متانت می‌گوید:

"ده جمالک از ایران نیست، زیر بار قاز دوفرسخی وارد شده و تا کوه زور رفته، ولی هیچ توجه‌ای به ما نداشته است. پس معلوم می‌شود که ما از ایران نیستیم."

اوقف مخروبه دالان خانه‌اش را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید:

"پس چرا به مستضعفین واقعی توجهی نمی‌شود؟ من حتی نمی‌توانم خانه‌ام را که در حال ریزش است، درست کنم."

روستائیان در باره حمام جمالکند بر این امر توافق می‌دهند:

"جهاد سازندگی می‌خواهد در میان حمام

دهقانان بیدارند،

از مالکان بیزارند



مرکز برقرارداد، حامی امپریالیسم! با این شمار دهقانان مبارز منطقه سنجابی علیه

بزرگمالکی و بقایای فئودالیسم و برای حفاظت از انقلاب در خیابانها رژه رفتند

مالک و فئودال و به دستگیری و مجازات فئودالها تکیه خاص شده است.

خواستهای بحق دهقانان در این قلمنامه بشرح زیر تشریح شده است:

- محاکمه فئودالهای مستگیر شده و نیز دستگیری سایر فئودالهای منطقه، که جرمانه محرز است و ریشه کن کردن وابستگان رژیم سابق و قطع نفوذ آنها در منطقه.

- اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه در شورای انقلاب، که به نفع مستضعفین و به زیان مستکبرین است.

- سرکوبی شدید ضد انقلابیون و عمال وابسته به پست عراق در توابع مرزی و سایر نقاط کشور.

- اجراء کشاورزی جهت رهایی کشاورزان وابستگی ایجاد راهها و ساختمان مدارس.

- بسج توده مردم علیه تجاوزات خارجی و عناصر ضد انقلاب داخلی.

- ماهقانان آمادگی خود را در اجرای برنامه دفع ازمزهای کشور و مقابله با هرگونه توطئه داخلی بخصوص در ناحیه سنجابی اعلام می‌نمایند.

رامیباریان باشکوه دهقانان منطقه سنجابی بعد از چند ساعت به پایان رسید. این رامیباری و خواستهای دهقانان نشانگر آنست که توده‌های زحمتکش روستائی ما بیدار و آگاه در جهت حفظ انقلاب گام بر میدارند. با اقدامات انقلابی در جهت تامین و تثبیت منافع زحمتکشان روستائی میتوان این نیروی عظیم را برای حفاظت از انقلاب تجییب کرد.

زحمتکشان ما در انتظار اقدامات انقلابی در اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کمک به دهقانان تهی‌دست هستند.

مبارزه بیکر علیه بزرگمالکان و فئودالها در خدمت دهقانان و حفاظت از انقلاب است.

دوفیلم از...

بدون رعایت صف، به جلوی باجه می‌رود و بی‌اعتنا به مردم زنده‌پوش درون صف، بلیط می‌خرد.

دوربین دامیانی با یک حرکت سریع چهره درشت چوچو را می‌نمایاند. این شبیه همان حرکتی است که در ابتدای فیلم، هنگام تیرباران چهار آزادیخواه، روی چهره آمریکایی دیده‌ایم. اگر در آن صحنه حرکت به منزله مصمم شدن آمریکایی بر انجام نقشه، خائشان‌ش بود، در اینجا نمایانگر پیروزی راه مردم در شخصیت چوچو است. او آمریکایی را در نهایت بی‌باوری وی به آزادی و آزادیخواهی پای قطار می‌کشد، و سپس با فریادهای زنده باد بیکر، در دالان بین دوقطار از صحنه دور می‌شود.

پرداخت شخصیت چوچو و تحولات درونی‌اش بسیار دقیق و استادانه انجام گرفته است. ضمن این که بازی درخور تحسین و هنرمندانه جان ماریا ولونته نیز در این پرداخت نقش بسزایی دارد.

دامیانی به نشی مذهب در جنبش‌های آزادی بخش ملی نیز بدرستی وقوف دارد. سانتو کلوئس کینسی (برادر چوچو فردی است با عقاید مذهبی که تمام زندگی‌اش را وقف مبارزه با خطر آزادی مکزیک کرده است. او در ایام خویش بقدری پایمند است که حتی مسئولیت اعدام برادرش را، بخاطر خطایی که به قیمت قتل عام مردم دهکده‌های تمام شده است، خود به عهده می‌گیرد.

اما فیلم "تربیتی علمی-تکنیکی‌ها" این فیلم، که مانند فیلم قبلی از موزیک دالانکز "اسموریکونه" برخوردار است، متأسفانه به وسیله تحریف دردرونده و ارسین رفتن بوندهای مسطقی آن زرفنجی سانسور، از محتوا نهی شده است.

ملم نمایانگر حوکسی‌ها و سمکزی‌های دولت و ارسین امریکا نسبت به سرچسب‌هاست. ولی آنچه در نهران به مناس درآمده، علمی است بخاری. که در شکل و مصور ارحدفلم‌های هالوودی فرار می‌رود.

روز ۲۰ مردادماه ۵۹، یک رامیباری با شرکت دهقانان منطقه سنجابی (خودمزرده، کوزران، بابیان، قسبخن، بابان‌یور عزیز، بنداره، شیخ مصطفی - قلیج، خن، چنارخان، یران، چنک و چندین روستای دیگر) برای پشتیبانی از عمل انقلابی دستگیری فئودالهای منطقه، استرخان، شاه‌مارخان، محمدخان سنجابی و کریم‌میر، از میدان تاجگذاری سابق تا محل زندان دیزل آباد در شهر کرمانشاه برگزار گردید.

در این رامیباری گروه کثیری از دهقانان منطقه سنجابی با شمارهای خود از جمله:

دهقانان بیدارند، از مالکان بیزارند مالکان بر ایمان، همیستان و لیزران، خمینی، خمینی حامی زحمتکشان آمریکا، مالکان دشمن مستضعفان خمینی، خمینی این مالکان که دینی خون ما را میکشد، قلب ما را دردند.

نفرت و انزجار خود را از وجود مالکان بزرگ و فئودالها بیان کردند.

دهقانان مبارز سنجابی سپس در محل تجمع خود یک میتینگ باشکوه برگزار و قطعنامه مستدامای خود را قرائت کردند.

این قطعنامه زبان گویا و خواست توده‌های میلیونی زحمتکشان روستائی است، که برای تداوم انقلاب و نبرد علیه امپریالیسم، به ریشه کن کردن روابط ظالمانه بزرگ-

بسا زد، ولی از ما می‌خواست پول بنا و دیگر وسائل را، که حدود ۴ هزار تومان می‌شود، بپردازیم. و ما هم که چنین پولی نداریم، ناچاراً از خیرش گذشتیم."

مغرعلی، یکی از دهقانان بی‌زمین جمالک می‌گوید:

"میزمینی برای کشت ندارم."

می‌پرسیم: اگر به شما زمین بدهند، طایرید کشت کنید؟

واو با حالتی آمیخته با نا اراحتی می‌گوید:

"چرا حاضر نباشم؟ از خدا می‌خواهم."

او ما را به طرف خانه‌هایی که از سکنه خالی شده‌اند، می‌برد و تک خانه‌ها را نشان می‌دهد و در آخر ما را به طرف حمام روستا می‌برد و می‌گوید:

"هر آن ممکنست حمام بر سرمان خراب شود."

یکی از مشکلات اساسی روستائیان جمالک کمبود آب آشامیدنی و به ویژه آب برای کشاورزی است. روستائیان معتقدند که در صورت کمک دولت و حفریک چاه عمیق، این مشکل تا حد زیادی برطرف می‌شود.

به هرکجای جمالک نگاه کنی، همه همه اسناد خیانت رژیم شاه سابق هستند که میهن ما را به جولانگاه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، بدل کرده‌بود.

وقتی از روستا خارج می‌شویم، هنوز فریادهای زن، مرد، پیر و جوان جمالک در گوشمان زنگ می‌زند:

"آقا شما را به خدا وضع ما را بنویسید، آب نداریم، حمام نداریم، درمانگاه نداریم و..."

مشکل کمبود آب را، که گریبانگیر روستاهای کشورمان است، می‌توان و باید حل کرد. دولت قادر است، با حفریچاه‌های عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موتورهای آب به روستائیان در این زمینه آنها را یاری کند. حل این مشکل حاشی، در این شرایط که ما احتیاج به تولید بیشتر در امور کشاورزی داریم، فوری، ضروری و سودمند به حال انقلاب است.

همچنین با به اجرا آمدن طرح اصلاحات ارضی و سرآوردن دیگر خواستهای روستائیان دهقانان زحمتکش، با فرسودگی و فسادات را اردویشان باید برداشت. هیئت‌های معرفی یا به هر چه سرعتر و واقع‌گرا عمل کنند و ما باید - کار واقعی دهقانان بیدار در آن عصبیت داشته باشند.

خدمات پزشکی و اجتماعی در جمهوری دمکراتیک آلمان

در جمهوری دمکراتیک آلمان انتظار عمده مردم آن کشور برای زنان ۷۴/۸ سال است. در این کشور شماره مرگ نوزادان از ۳۸/۸ در هزار در سال ۱۳۳۹ به ۱۳/۱ در هزار در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت.

امروزه ۳۷۸۸ بنیاد پزشکی در موسسات و کارخانه های آلمان دمکراتیک وظیفه معالجه و مداوای ۵/۵ میلیون زحمتکش یعنی دوسوم سکنه آن کشور را به عهده دارند. در سال ۱۳۵۷، ۳۳۵۹۹ بخش پزشکی و پرستاری، ۳۲۰ درمانگاه و ۱۱۶ پلی کلینیک در کارخانه ها و موسسات دایر بود.

هزینه بیمه اجتماعی مادر (میلیون مارک)

سال	کمیته هزینه	کمیته بیمه	کمیته هزینه بسیاری	کمیته هزینه کم	کمیته هزینه کم
۱۳۴۹	۱۳۲/۵	۲۱۶/۴	۱۱/۴	-	-
۱۳۵۴	۱۶۸/۹	۲۹۵/۶	۳۲/۲	۱۸/۶	-
۱۳۵۵	۱۸۱/۹	۳۹۷/۵	۳۹/۲	۲۰/۱	۴۴/۸
۱۳۵۶	۲۰۶/۱	۲۶۸/۲	۴۲/۰	۲۱/۴	۱۵۴/۸
۱۳۵۷	۲۱۷/۳	۶۲۵/۵	۵۲/۷	۳۰/۲	۲۲۲/۸

درجهان سرمایه داری

مسافت زیادی را از خانه به مزارع بیسایند و معارج سنگین ایاب و ذهاب را از محل درآمد ناچیز خود متحمل کردند. بسیاری از آنها درازای اجاره یک اتاق کوچک، بساحت ۷/۵ متر، اغلب ماهانه ۲۰۰ دلار کئانادایی می پردازند. اینگونه «خانه ها» نه بخاری و تهویه دارد و نه وسائل بهداشتی. تاکنون مقررات و قوانینی برای دفاع از حقوق و منافع کارگران سرخپوست در کئانادا وجود نداشته است. کارگران روستایی سرخپوست برای پیشبرد منافع صنفی خود هرچه بیشتر در «سندیکای کارگران روستایی کئانادا» متشکل میشوند. که دو ماه پیش تأسیس یافت. هر چند اینگونه افراد اغلب بسایندید بمرگ و روبرو میگردند، سندیکای نامبرده هم اکنون ۳۰۰ عضو دارد.

باسر خپوستان در کئانادا مثل پرده رفتار میشود

نود درصد ۱۴ هزار کارگر روستایی ایالت «بریتیش کلمبیا» واقع در غرب کئانادا، سرخپوست و اکثر آنها زن هستند. بگفته راج چوهان، رئیس «سندیکای کارگران روستایی کئانادا»، با نامبردگان «مثل پرده رفتار میشود». وی اضافه کرد که این سرخپوستان «از هرگونه بیمه اجتماعی و بهداشتی محرومند و دستمزد آنها کفایت معیشت خود و خانواده هایشان را نمیدهد».

کارگران روستایی سرخپوست تا ۱۶ ساعت در مزارع کز می کنند و دستمزدی که دریافت میدارند، تنها بعدی است که آنها را زنده نگه دارد. کودکان آنها نیز که از شش سالگی بکار گماشته میشوند، هیچگونه دستمزدی دریافت نمی دارند.

کارگران روستایی سرخپوست اغلب مجبورند

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، بگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ کئانادا و محوگر است.

ضد انقلاب...

پته از صفحه ۴

۸) امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی داخل کشور برای فلج کردن اقتصاد ایران ایجاد کمبود یا قطع محصولات صنعتی و کشاورزی، تشدید آهنگ رشد تورم، تشدید گرانی طاقت فرسای کالاهای مصرف عمومی (و از این راه افزایش حاد ناخرسندی عمومی) سعی عدیدهای بکار بردند و می برند.

در جریان خود انقلاب، چنانکه افشاگری کارمندان بانک بر ملا ساخت، دهها میلیارد دلار ثروت کشور به صورت ارز خارج گردید و این امر خود زبان سنگینی به اقتصاد کشور وارد ساخت و برعکس جیب فراخ بانکهای امپریالیستی را از ذخایر عظیمی انباشت. پس از انقلاب، مقادیر عظیمی ارز، جواهر، طلا و نقره، کالاهای گرانبها و کم نظیر با سرعت عجیبی از انواع مرزهای زمینی و هوایی کشور خارج گردید. مسامحه دولت موقت و تسهیلاتی که فراهم می شده، این جریان را چند برابر تشدید کرده است.

خروج ارز و طلا و نقره و جواهر و کالاهای قیمتی با وارد ساختن دهها و صدها میلیون اسکناس به بازار ایران، به قصد بیبها ساختن ریتال، همراه بوده است و با آنکه در گرکهای ایران دهها میلیون ریتال از این اسکناسهای وارداتی ضبط شده، کسی نمی داند که مبلغ وارد شدهها به بازار ایران (که سلما چندین برابر مبلغ ضبط شده است) به چه میزان هفگت و سرگیجه آوری می رسد.

ضد انقلاب به کمک عمال عیان و نهان و افزارهای آگاه و ناآگاه خود، تحت عناوین مختلف از جمله عناوین انقلابی، موج وسیعی از تخمین ها، اعتقادات، کم کاریها، درموسسات

نقلی بر «دست کثیف استعمار» و «ترینیتی علیه یانکی ها»، ساخته دامیانو دامیانو

بارشد جنبش های آزادیبخش ملی ونهضتهای کارگری و کمونیستی در سراسر جهان، سینماگران بسیاری نیز در کشورهای سرمایه داری به عقاید دمکراتیک و مترقی روی آوردند. آنها روز به روز به آرمانها و مبارزه طبقة کارگر نزدیک تر میشوند و در آثارشان بیش از پیش قجابع هستی سوز نظام منحط سرمایه داری را به تصویر می کشند.

دامیانو دامیانو، هنرمند برجسته ایتالیایی، نیز در زمره همین سینماگران است. در کشور او سینماگران بسیاری هنر خود را در راستای مبارزه، منافع و امیدهای زحمتکشان قرار داده اند، که از آن جمله اند: فرانچسکو رزی، آلیوپتری، جولیانو مونتالدو و جیلوپونته گورو.

دامیانو در مقابل مسائل حاد و بفرنج عمرا، که محتوایش گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، نه تنها بی تفاوت نیست، بلکه با احساس مسئولیت عمیق و سرشار از اندیشه های صلحجویانه و انسان دوستانه، در عرصه هنر خود، فعالانه در کار مبارزه با زشتیها و پلیدیها و افشاء هزارتوی نیرنگهای سرمایه داری است.

دامیانو به درستی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را دشمن تمام بشریت تشخیص داده و در همه فیلم هایش، واقعیات شوم عمل کردهای این دشمن مکار و تجاوزکار را در ارتباط با سایر کشورها، خلقهای تحت ستم و سازمانهایی نظیر «سیا» و «مافیا»... می نمایاند.

دامیانو بخاطر پیوند با توده ها و رساندن پیامش به آنها، شیوه خاصی را برگزیده است. امروزه فیلم های تجارتي، با ظاهری خوش آب و رنگ و برهیجان و مضمونی عمیقاً ارتجاعی و ضد انسانی و امپریالیسم بسند، وسیله مهم مسموم ساختن افکار توده تاشاگران سینماست.

دامیانو با توجه به این مسئله، پیام های مترقی و آگاهی دهنده خود را در غالب همین سینما، به میان تاشاگران می برد. او در فیلم هایش از موضوع های رایج در سینمای غرب سود می جوید، ولی محتوایی غنی و انباشته از روح مبارزه بارشمل های فساد و بدبختی انسان ها را ارائه می دهد.

شیوه محبوب دامیانو نعتنها دشواریهایی دارد، بلکه خطر غرق شدن در سینمای تجارتي را نیز به همراه خود یدک می کشد، که البته دامیانو تا امروز از این خطر مضمون مانده و بردشواریها فائق آمده است.

فیلم های «دست کثیف استعمار» و «ترینیتی علیه یانکی ها» از این کارگردان، هم اکنون بر پرده است، که به ترتیب به بررسی آنها می پردازیم. چهارمرد با گام های استوار و چهرههایی جسور در حرکتند. گویی به وعده گاه امید می روند. در کنار دیواری می ایستند. دوتن از آنها یکدیگر را در آغوش می گیرند و در فریاد دیگری که می گوید:

لاهوته و پاسگاه قطور و غیره، گوشه دیگری از نقشه های هرج و مرج افکن و در عین حال احقانه و مایوسانه عمال امپریالیسم و ضد انقلاب را نشان می دهد. اینهاست نمونه های مشخصی از شرکدهای ضد انقلاب.

ماطی بیان نه مورد از اقدامات ضد انقلاب کوشیدیم خواننده را بیاد حوادثی بیاندازیم که در ماههای پراشوب، پردغدغه و نا آرام گذشته در ایران روی داده است و این رشته کماکان سردراز دارد.

هرکس این کارنامه سیاه ضد انقلابی را (که البته بسیار ناقص است) از نظر بگذراند، هم به ماهیت امپریالیسم و عمال ایرانیش، هم به نیروی واقعی انقلاب و هدفش، هم به منشاء دشواریهای موجود بهتری می برد و بهتر می تواند قضاوت کند.

عیب کار اینجاست که ارگانهای تبلیغاتی انقلاب در زمینه افشاء، تحلیل، ارائه مدارک و اسناد و آمارها و بیان استدالات، ناکافی و ضعیف عمل می کنند و به صدها سؤال، که برای مردم مطرح است، پاسخ نمی دهند.

بسیاری از افرادی که در دام تبلیغات ضد انقلابی می افتند، سونیت ندارند و قابل راهنمایی و اقناع هستند و باید به آنها در درک درست مسائل کمک کرد.

جا دارد که مطبوعات انقلابی و ارگانهای تبلیغاتی رژیم، با وسایل فراوانی که دارند، در جهت رسواسازی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، رژیم گذشته، ضد انقلاب کنونی و توضیح مسائل و رفع مشکلات و تردیدها گامهای جدی بردارند.

بررسی کارنامه ضد انقلاب این امید را تقویت می کند که انقلاب ما بتواند بر مشکلات آتی، که به هیچوجه کوچکتر از مشکلات گذشته نخواهند بود، نیز غلبه کند، بویژه که اکنون دولت انقلابی و نهادهای آن شکل گرفته است و انقلاب بر مراتب از سابق متشکل تر و آزموه تر است.

هنر

دوفیلم از یک کارگردان



«خون های ما درخت آزادی مکزیک را آبیاری خواهد کرد. زنده یاد مکزیک»، زن هایی، پیرو جوان، سرهاشان را از زمین میلههایی بدمی آوردند و با جیغ و فریاد با آنها همدردی می کنند. چهارمرد را تیرباران می کنند.

در این صحنه، هنگامی که تفنگها به روی سینه آزادی خواهان نشانه می رود، مردی با دویای قطع شده، با کشیدن خود بر روی زمین، حرکت می کند. ادغام این دو عمل بیان هنرمندانه ایست از شرایط حاکم: اگرچه آزادی خواهان در قربان گاه منافع استعمار اعدام می شوند، ولی حرکت مرد بدون پا نشان از بقا و ادامه حرکت جنبش آزادی خواهی می دهد.

پس از تیرباران، دوربین با حرکت سریع، چهره مردی آمریکایی را می نمایاند که، خونسردانه به صحنه می نگرد. بدینگونه فیلم «دست کثیف استعمار» شروع می شود. مضمون این صحنه را دامیانو در سراسر فیلم می پروراند.

دهه دوم قرن بیستم است. امپریالیسم آمریکا با قدرت تمام گوی مردم مکزیک را - بسان سایر کشورهای تحت سلطه خود - زیر یوغ «سرمایه» می فشارد. جنبش های انقلابی سراسر کشور را فرا گرفته است. امپریالیسم آمریکا ضمن تجهیز و تقویت همجانبه مزدوران چکمیوش و ستاره بر دوش مکزیک، یکی از ماموران «خبره» خود را برای قتل رهبر آزادی خواهان به مکزیک اعزام می دارد. گروههایی از راهزن ها با سرتاسر اسلحه های دولتی و فروش آنها به انقلابیون. هم پولی به چنگ می آورند و هم تلویحا به انقلاب یاری می رسانند.

آنچه بیش از این به فیلم عنا می بخشد، نمایش هنرمندانه نقش حیلگرانه امپریالیسم جنایتکار آمریکا، در سرکوب جنبش های انقلابی است، که گوشای از آن در شخصیت مرد آمریکایی (لوکاستل) فیلم نهفته است. او بنا به تقاضای دولت مکزیک، از طریق سفارت آمریکا به این کشور اعزام شده است، تا «گروه کور» دولت دست نشانده آن را بکشد. و سرانجام مبلغ هنگفتی از دسترنج زحمتکشان این کشور را به عنوان دستمزد عمل جنایت کارانه خویش به یغا برد.

دامیانو بی پایگی ادعاهای یوشالی امپریالیسم آمریکا نظیر «عدم دخالت در امور دیگر کشورها» را به خوبی تصویر می کند و از ماهیت جنایت کارانه و مداخله گر آن پرده می برد.

ال چونچو (جیان ماریا ولونته) راهزنی است که در درون خویش با دوجریان در نبرد است. یکی عشق به مردم و کمک به انقلابیون و دیگری عشق به پول. بی شک این دو در یک مدت طولانی نمیتوانند در کنار هم بمانند.

دامیانو بخوبی نبرد این دوجریان را در حالات و روحیات چونچو بررسی می کند. چونچو به تجربه درمی یابد که مزدوران دولتی، برای حفظ منافع خود، حتی برای اهرم های حکومتی هم ارزش قائل نیستند و از کشتن همدیگان خود نیز ابائی ندارند: صحنه ای که گروهی به لکوموتوران، بخاطر خارج کردن اسلحه ها از دست سارقین، دستور حرکت می دهد، در حالیکه یک سروان به ریل مصلوب شده است.

چونچو می بیند که چطور دولت دست نشانده برای ارتشانش مزدور وسایل عیش و عشرت مهیا می کند و از فتوئدالهای غاصب حمایت و مردم دهکدهای را که با فتوئدالی در افتاده اند، قتل عام می کند.

ولی برق سکه های طلا هم او را راه نمی سازد. چونچو به منظور انتقام از مرد آمریکایی به محل اقامت او می رود. اما برق سکهها چشانش را کور می کند و مسحور می شود. هنگامی که آمریکایی، پته در صفحه ۵

ضد انقلاب در عمل

حرکت نامحیا از غلظت روزگار هیچ ناموزده زهیج آموزگار

یک کارنامه سیاه و سرابا تبهکاری

همیشه بازگشتن و به حوادث طی شده نگرستن، عبرت آموز است. رویدادها زود فراموش می‌شوند. بیوند درونی آنها به آسانی در ذهن شخص کشف نمی‌گردد. ولی هنگامی که برپایه اسناد و مدارک، وقایع رخ داده را یک بار دیگر از نظرمی‌گذرانید، چیزهایی برملا می‌شود که در حال عادی روشن نیست.

ما اینروزها که ضدانقلاب در مدارک نقشه‌های براندازی تازه‌ایست، کارنامه او را طی سالهای ۵۸ و نیمه اول ۵۹ ورق زدیم. از این بررسی مجدد دو نتیجه گرفتیم:

اول - ضدانقلاب در هیچ عرصه‌ای، اعم از سیاست و اقتصاد و زندگی روزمره نیست که گاه با سیمای دوست و گاه با سیمای دشمن، منتپهای کوشش خود را برای مسخ کردن، خورد کردن، بدنام کردن و دچار خصمه کردن انقلاب انجام نداده باشد، با این هدف کلی که، انقلاب را دفن کند و رهبری آنرا نابود سازد و دوستان وفادار انقلاب را قتل عام نماید و سیطره دوزخی غارتگرانه خود را بار دیگر بر زمین ما استوار سازد.

دوم - ضدانقلاب تاکنون در تمام انواع اقدامات خود به توفیق چشم‌گیری نرسیده است و در اثر واکنش مردم و نهادهای انقلابی و تصمیمات درست رژیم انقلابی و درایت و قاطعیت رهبر انقلاب، امام خمینی، اقدامات ضدانقلاب خنثی مانده است. البته این بدان معنی نیست که ضد انقلاب توانسته است سیر کامیابانه انقلاب را کند کند و رادنهان سادملوح و روحیات مستعد تحریک، ناخرسندی‌بیهوش بوجود آورد.

مسلم است که در آینده ضدانقلاب با همان حرارت گذشته تلاش خود را ادامه خواهد داد. گارت به ژسگاردستن گفته است که امریکا قصد ندارد از ایران دست بردارد. ضدانقلاب هنوز در کنترما دارای "نیروهای ذخیره" گوناگونی است، که از آنها استفاده خواهد کرد. ولی گذشته نشان داد که کار ضدانقلاب آسان نیست و در جهان و ایران عوامل فراوانی هستند که می‌توانند به تثبیت انقلابی در کشور ما باری رسانند و ضدانقلاب را با شکست روبرو سازند.

باتوجه به حوادث دوران پس از انقلاب، بیینم دشمن امپریالیستی و متحدان ارتجاعی و ضدانقلابی ایرانی آن، دست به چه کارهایی زده و ثمره تقلای ابلیسانه و جهنمی آن چه بوده است:

۱) ایالات متحده آمریکا، دشمن اصلی و واقعی انقلاب ما، از همان آغاز با تمام نیرو برای محو این انقلاب وارد میدان دسیسه و عمل شده است. "کمیسون ایران" در کاخ سفید تحت نظر شخص گارت و معاون امنیتش برزیلنگی تشکیل شد و نقشه‌های دراز مدت و کوتاه مدت ضدانقلابی در این کمیسون به تصویب رسیده و می‌رسد.

امریکا بخش برنامه رادیویی خود را علیه ایران طولانی کرد و با ایجاد هسته ضدانقلابی ایرانی مرکب از بختیار- اویسی - آریانا و پالیزبان (در ارتباط با خانواده پهلوی بویژه اشرف) و قراردادن تسهیلات عدیده رادیویی و مطبوعاتی در اختیار آنها، کوشید تا یک ستاد دائمی ضدانقلابی بوجود آورد.

امریکا "محاصره اقتصادی ایران" را اعلام داشت و به متحدین امپریالیستی خود فشار آورد که به این محاصره بیبوندند و آنها نیز در "کنفرانس جامعه اروپائی" بیوستن خود را به این سیاست ددمنشانه اعلام داشتند. با آنکه امریکا به روال سالوسی و عوام فریبی همیشگی خود گفت که گویا محاصره اقتصادی او خواربار و دوا را دربر نمی‌گیرد، ولی درست همی نیازمندی- هاست که مورد ضربه اصلی است. امریکا کوشید اصل محاصره اقتصادی را به تصویب شورای امنیت برساند که با وتوی اتحاد شوروی روبرو گردید.

امریکا ناوگان دریائی عظیمی را که مرکب از ۳۴ کشتی جنگی و چندین هزارتن ساز و برگ و هزارها تکنسین دریائی و سه ناو هواپیما، یعنی "کانستل لیشن" و "تی‌میز" و "گورال سی" است، و صدها هواپیما در آنها جای می‌گیرد، در دریای عمان و محاورت کرانه‌های ایران متمرکز ساخت و سیاست شاناز نظامی دائمی را در پیش گرفت.

عملیات موسوم به "نورآبی" در طس، که به شکست رسوا منجر شد، نوظنه وسیع پایگاه نوزه در همدان، که در آن دواخانه نظامی و سیاسی در ارساط با سایر بخشها و اوسه فعال بود، نوظنه جدیدی به نام "جهنم سب ۸۰"، که روزنامه‌نگار امریکائی جاک اندرس در مطبوعات امریکا افشا کرد و علی‌رغم تکذیب‌های کاخ سفید (که این تکذیب‌های بوخالی نکرد دائمی آنها است) وجود آنرا باند مسلم‌گرفت، ارضاطهر این ناماز دائمی است.

امریکا ایرانیان و بوزده دانشجویان مبارز ایرانی مضم امریکا را مورد ضارها، آزارها برار داده و نمایندگانی مخالف آمر دانشجویان ایرانی را با وحسگری خاص خود سرکوب کرد و

نقش تاریخی ندارد. دفاع دائمی آقای مهندس مهدی بازرگان از مواضع خود و دیگر لیبرالهای افشا شده حاکی از آنست که وی انقلاب را در حد یک تغییر رژیم و تداوم سیاست اقتصادی و خارجی رژیمهای قاجار و پهلوی که تنها باید در چارچوب برخی "رفرمها" بماند، می‌فهمد و ابدا متوجه نیست که در ایران چه گذشته و چه میگذرد. متوجه نیست و نمی‌خواهد هم متوجه باشد.

۳) یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب رخنه در نهادهای انقلابی مانند دادگاههای انقلابی، کمیته‌ها، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفین و مطبوعات وابسته به آن برای ایجاد هرج و مرج قضائی، اعمال فشار به سازمانها و افراد وفادار به انقلاب، سلب اعتماد مردم از این نهادها بوده هست. علی‌رغم اخطار مکرر امام و سخنگویان دیگر رژیم انقلابی علیه چماقداران و نقض کنندگان امنیت، و علی‌رغم پاکسازی مکرر این نهادها، متأسفانه عناصر ضد انقلابی و بویژه ساواکی هنوز از این مجراها دسایس شوم خود را به معرض عمل می‌گذارند، مراکز و دفاتر گروههای سیاسی و کتابخانه‌ها را می‌سوزانند و تاراج می‌کنند و تحت عنوان "اسلام" یا به بهانه اجراء امریه معروف، افراد بیگانه را مضروب و مجروح می‌سازند و بذرناراضائی و تفرقه می‌پاشند. آلودن نهادهای انقلابی و دولتی به زهر آنتی کمونیسم و شوروی ستیزی احمقانه و کور، که شکل منظم و با عوام فریبیهای فراوان از طرف افراد معینی در جامعه اسلامی و انقلابیت دنبال می‌شود، مضرات زیادی ببار آورده و از آنجمله تاکنون موجب دیوار اشغال مستند سازمانهای حزب ما در سراسر ایران و تخریب و لهب و غارت آن شده است. متأسفانه از این لحاظ باید بسود ساواک و ضدانقلاب چندین "امتیاز" ثبت کرد.

امید است دولت انقلابی بتواند در مقابل این هرج و مرج و روش چماقداری ایستادگی موثر کند و از این همه درسهای روشن تاریخ عبرت آموزد. بیهانه کردن مسائل مذهبی و عنوان کردن امریه معروف و مسئله حجاب اسلامی برای تجاوز به امنیت و حرمت بانوان ما یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب بدست مسلمان‌هاست، که در برخی موارد حتی به چاقو زدن برخی بانوان بی‌حجاب (در ارومیه) و باعدم فروش جنس به آنان (در بوشهر) منجر شده است. این اقدامات علی‌رغم دستور صریح دفتر امام و تذاکرات مکرر شخص امام صورت گرفته است که باید قویا جلوی آن سد شود. هدف این گونه اقدامات همراه حد زدن‌ها و رجم کردن‌ها، تنها و تنها تارک ساختن اسلام علوی و جاننشین کردن آن با اسلام ضیاء الحقیقت است. هرگز شیعیان بیروعلی اسلوبیهای حجاج بن یوسف ثقفی و شمر بن ذی الجوشن را اسلوب کار خود قرار نمی‌دهند و آدمکشی‌های حیوانی مانند سلطان محمد مظفر (که از سر نماز برمیخاست و بعنوان اجراء حد و تفریز سخما سرمی‌برد) اسلوب اسلام واقعی نیست. اسلام محمد و علی شریعت سحبه و سهله ست و بویژه نسبت به کسانی که باوی از راه دوستی عمل می‌کنند، جز از راه دوستی عمل نمی‌کند.

۴) یکی از کارهای ضدانقلاب به قصد خرابکاری، افشاندن بذر رعب و هرج و مرج و لطمه زدن به اقتصاد ما، ایجاد انفجار در بالاگاه‌های آبادان و کرمانشاه و اصفهان، منقجر کردن هزارها مترو لوله‌های نفت در خوزستان در موارد عدیده، افکندن بمب و خمپاره در شهرهای تهران، دزفول، اهواز، خرمشهر، آبادان، رنقده، ماکو، کرمان، کچساران و نقاط دیگر بوده است. دهها مورد از این بمب‌گذاریها، بیش از وقوع فاجعه، کشف و بسپها و مواد انفجاری دیکر خنثی شده است، ولی متأسفانه در بیش از بیست مورد انفجار روی داده و منجر به تلفات سنگین جانی و مالی و زخمی شدن صدها تن از هموطنان ما گردیده است نمونه فجع تازه آن در کچساران است. تنها در تهران، در میدان امام خمینی، سنما نادر، شمس العماره، سنماسان کالتائی، باساز کمسانی و مطاط بر جمعیت دیکر بمب‌گذاری شده و در یک مورد سازمان مجعولی به نام "جهنم رهائی- بخش فدرال ایران" خود را منکر معرفی کرده است. در خوزستان دوبار بمب‌گذاری در بنطاراجام کرک. که موجب تلفات سنگین مسافران بی‌گناه قطارند. به عمل بمب‌گذاری، باید اندامات مس گذاریها را سر بوزده در جاده‌های گردستان آورد. که بد ما نودی کاموسیتی سعده سرامان و پاسداران و ابوسویا انخاست و تلفات جانی و مالی تراوانی بار آورد.

روابط سیاسی خود را با ایران قطع نموده و متحدین خود انگلستان، فرانسه و ایتالیا را نیز به ایجاد اشکالات در دادن روادیدها و محدود کردن روابط خود با ایران واداشته است. چنانکه یک مقام نظامی کشور ما زمانی اعلام داشت که امریکا در ایران دارای تعدادی انبارهای اسلحه و فرودگاههای مخفی است و شبکه‌های ضدانقلابی مرکب از نظامیان و ساواکی‌ها و سرمایه داران وابسته در تهران و شهرستانها تحت نظر عمل اعزام شده از طرف "سیا" مشغول فعالیتند و ماموریت آنها نخطنه انقلاب از طریق نظارهات منفی به نام اسلام و ایجاد تفرقه بین مسلمانان مبارز از سوتی و نیروهای چپ از سوی دیگر، از طریق نظارهات ضدانقلابی به نام "چپ" است، یعنی همان چیزی که امام آنرا "چپ امریکائی" نام نهاده است.

امریکانتحت عنوان آزاد کردن "گروگانها"، که در واقع برخی از آنها از زمره جاسوسان آزموده سیا در ایران بوده‌اند، جنجال بین‌المللی بر سر صای عجیبی در جهان و مطبوعات سرمایه‌داری علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی بر اه انداخت و با اعزام انواع هیئت‌ها و ارسال اقسام نامه‌های دروغین (مانند نامه گارت و نامه کندی) ویا "جنگلک بازبهای" خاص خود سعی دارد ایران را تحت فشار قرار دهد.

موسسات جاسوسی امپریالیستی بویژه امریکا، انگلستان و اسرائیل شبکه وسیعی در پوشش سفارتخانه‌ها، خبرنگاران، شرکتها و نگاهبهای مالی و خدماتی و بازرگانی و صنعتی، میسیون‌های مذهبی، آموزشگاههای مختلف و غیره بوجود آورده بودند. اشغال جاسوخانه آمریکا نشان داد، آنچه که "سفاتر" نام داشت، چگونه یک کارخانه واقعی و تمام عیار خبرچینی و جاسوسی و توطئه بود. این موسسات در همکاری با "ساواک" و "کوک" و انواع موسسات بظاهر ایرانی استظله‌های اختیابوسی خود را تا اعماق خانواده‌ها، در روستاها و عشایر رخنه داده بودند و واقعا می‌توانستند مدعی شوند که:

گر بر سر خاشاک یکی پشه بچیند جنیندن آن پشه عیان در نظر ما ست رژیم پهلوی دست "سیا" را بخدا علی، باز گذاشته بود و شخص محمد رضا پهلوی در تماس با هلمس (امرجاسوس امریکائی و رئیس اسبق سیا و سفیر اسبق امریکا در ایران) و بنا بدستورهای او کار می‌کرد.

اینک ایران از هربابت یک نمونه کامل و باصلاح فلاسفه "مثل علیا" برای تدابیر شیطانی امپریالیستی شده بود، محل تردید نیست و هنوز همه واقفیت‌ها درباره رژیم مخوفی که در این کشور حکمروائی می‌کرد، گفته نشده است. تبلیغات انقلاب نارسا و الکن است و معلوم نیست بچه مناسبت اینهمه حقایق برده در را به زیان ضد انقلاب و یا بسود انقلاب نمی‌گویند (ویا نمی‌خواهند بگویند).

۲) ضدانقلاب پس از سرنگون شدن رژیم استبداد سلطنتی کوشید بدست بخشی از سیاستمداران لیبرال که تاحدی در روند انقلاب خود را شرکت داده بودند، ویا براه انداختن دهها مجله و روزنامه تحت عنوان مخالفت با سانسور و دفاع از آزادی، جو مناسب خود را ایجاد کنند. انقلاب با هشپاری تمام در مقابل این شرک ضدانقلاب واکنش نشان داد و مهمترین رجال با مطبوعات را، که نقش آشکارا مضری ایفا می‌کردند، بی‌اثر ساخت و اجاره نداد که متحدان سرمایه‌داری جهانی و ارتجاع ایران، ابتکار را بار دیکر بدست گیرند. ما نمی‌خواهیم هر کسی را که در جرحه‌بهای ملی‌گرا شرکت جست، فاقد حسن نیت نسبت به انقلاب بشمریم، ولی قدر مسلم آنست که از میان همین اشخاص کسانی مانند امیرانتظام، مقدم مراغهای، در یادارعلوی، منین دقتری، خسرو قشقائی، ابوالفضل قاسمی، نزیه و سیاری دیگر بیرون آمده‌اند که گاه در همکاری با جمعیت "خلق مسلمان" فعالیت می‌کرده‌اند. نقشی که این عناصر لیبرال در جریان انقلاب و پس از آن در دوران دولت موقت وهم اکنون بازی کرده‌اند و می‌کنند و خواهد کرد، نقش سفی و گاه دوربوانه و مرورائهای است. این نقشی است بسود خانها و نفوذالها، بسود برخی روحانیون فتری و محافظه‌کار، بسود سرمایه‌داران بزرگ واسسه و درنسخه و شکل فیهری (و گاه شکل مستقیم) بسود امیرالمسم، حسن ست و با صفات سندنده در این ما آن عرصه و ما داس اعتمادات مدهمی ادا و احلا باسری در تمسب سفی این

ضدانقلاب به کمک بمب‌گذاریهای متعدد در نقاط مختلف خوزستان توانست لطمات سنگینی به تولید نفتی ما وارد سازد. این امر همراه با فقدان وسایل بدکی و خودداری از خرید محصولات نفتی ما از طرف مشتریان امپریالیستی، منبع اساسی ارزی ایران را زیرضربه قرار داده و روشن است که هدف آن از میان بردن قدرت پرداخت ارزی کشور ما و فلج کردن اقتصاد و اعمال فشار حیاتی به سرابای نفوس ایران است.

۵) یکی دیگر از اعمال وحشیانه ضدانقلاب ترورهای متعددی است که در پوشش سازمانهای مخفی مختلف بویژه گروه "فرقان" بعمل آورده است و منجر به قتل سرلشکر قزلباشی، آیت‌الله مطهری، قاضی طباطبائی، حاجی طرخانی، حجت الاسلام مفتح، عراقی و زخمی شدن حجت الاسلام رفسنجانی شد. عملیات تروریستی، علاوه بر فرقان، از طرف گروههای دیگری نیز انجام گرفت و مجموعا پانزده نفر در عملیات گوناگون تروریستی کشته شدند. در موارد عدیده‌های تروریست‌ها گروههای مختلف پاسدار را، بویژه در شب در نقاط مختلف شهر، به گلوله بسته و جمع کثیری از جوانان ما را شهید ساختند. شاید بتوان گروههایی از قبیل "گروه شاهین" در تهران و "باند پلنگ" در نیشابور را که به کشتن و ربودن و غارت کردن پرداخته‌اند، به این عملیات تروریستی اضافه کرد. خوشبختانه از گانهای انقلابی و دولتی توانستند بسیاری از این گروهها را کشف و بی‌ضرر کنند و هم چنین افراد بمب گذار متعددی به چنگ عدالت افتادند و میتوان گفت که ضدانقلاب از این رهدگرها جز ننگ ابدی حاصلی بدست نیاورده است.

۶) یکی از اقدامات مهم ضدانقلاب ایجاد آشوب و ناامنی در نواحی مرزی دارای خلقها و مذهبهای خاص مانند کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، بلوچستان و نیز آذربایجان بوده است. در کردستان امپریالیسم، فئودالها، بقایای رژیم پهلوی همراه برخی گروههای چپ‌نما و با پشتیبانی حزب بعث عراق، ترازدی سراپاخون آلود و فحیعی بوجود آورده‌اند که تا امروز با شدت ادامه دارد و منجر به خون ریزیهای فراوان در شهرهای سنندج، پاوه، نقده، کرمانشاه، سقز و دیگر نقاط کردنشین شده است و به یک جنگ واقعی بامداخله ارتش و پاسداران و پیش‌برگان طرفدار انقلاب از سوتی و افراد مسلح مخالف انقلاب از سوی دیگر مبدل گردیده است.

این صحیفه سراپا جنایت، که تا امروز نیز با خون سرخ مردم کردستان نوشته می‌شود، سند نیرومندی علیه امپریالیسم جنایتکار و ارتجاع دست‌نشانده آنست.

یکی از هدفهای مهم ضدانقلاب آن بود که بدست حزب "خلق مسلمان" نظیر این وضع را در آذربایجان نیز بوجود آورد. در واقع نیز با تنظیم چندین توطئه مقدماتی در قم و تبریز و ارومیه (و دیگر شهرهای آذربایجان شرقی و غربی) وضع بشیاء حادی در آذربایجان بوجود آوردند (حوادث آذرهام ۱۳۵۸) که تنها شرکت وسیع مردم علیه توطئه و فداکاریهای عناصر انقلابی توانست سرانجام بر بحران غلبه کند. این تحریکات بویژه در تبریز و ارومیه کفکان و دانشا ادامه دارد. با اینحال ضد انقلاب نتوانست به قول خود اتحاد "مهلباد تبریز" را، که آرزویش بود، (و حتی یک بار شتابکارانه تحقق آنرا اعلام داشت) عملی سازد.

مرکز دیگر تحریکات که می‌باید از جهت جغرافیائی دردنباله آذربایجان و کردستان قرار گیرد، خوزستان است. تحریک عشایر عرب، طرح دعاوی جغرافیائی از طرف دولت یعنی عراق در مورد جزایر تنب و اوموسی، خرابکاریهای وسیع در موسسات نفتی، ایجاد بلواهای متعدد در شهرهای آبادان، دزفول، خرمشهر، بندرخمینی، اهواز و غیره می‌بایست، موافق نقشه طراحان امپریالیستی، به خارج شدن خوزستان از کنترل رژیم انقلابی منجر شود. البته ضدانقلاب نتوانست در این ناحیه ضربات سنگینی بر تولید نفت و امنیت عمومی وارد سازد، ولی به هدف اساسی خود تاکنون دست نرفته است.

نظیر این تحریکات در کنگدکاووس از سوتی و زاهدان و بلوچستان از سوی دیگر بارها تکرار شده است، که آنها نیز تا امروز عقم مانده، ولی رشفه دسیسه تا امروز هم بریده نشده است. ایجاد حوادث خونین به این نواحی محدود نیست. ضدانقلاب هر جای دیگر که توانست، مانند شهرهای انزلی، رشت، بندر لنگه، سلماس، قم و عمره نیز حوادث خونینی را برپا داده است.

۷) یکی از اقدامات دیکر ضدانقلاب ایجاد هرج و مرج و آشوب و درگیری در دانشگاههای کور است، که بدحوادث جوسنی در دانشگاه نیشابور، دانشگاه جدید سوراهاوار و دانشگاه کلاان منجر شد. با تمام تاکن امام دانش به همکاری روحانی و دانشگاهی، ضدانقلاب کوسد ما سر اس دوسرو جوسن‌مخام بوجود آورد ما بسواد از اس آس دسی کرم کند.

انقلاب و مسئله زنان

دادگاههای خانواده باید در مورد مسئله طلاق دقت بیشتری کنند و معنی عدالت در خانوادهها تعمیم داده شود و حقوقی که در اسلام به زن تعلق گرفته، به آنها بازگردانده شود...

... اکثر خانوادهها از من خواستند که در مورد مسئله طلاق دقت بیشتری از جانب دادگاههای مدنی خاص اعمال شود، که آیا طلاقهای اخیر واقعا اسلامی است؟

امروز معمول برایست که مجری، صیغه را در برابر دوشاهد انجام میدهند که این دوشاهد زوجین را نمی‌شناسد و این درست نیست. باید معنی عدالت در خانواده تعمیم بدهیم، حال آنکه عده زیادی از خواهان مادرخانان در خردشدن و نابودی هستند. از برادران می‌خواهیم در مجالس مردم را متوجه این امر خطیر بنمایند، باید به وضع زن امروز رسیدگی شود و حقوقی را که در اسلام داده شده، به آنها بازگردانند.

"خانم گوهرالشریبه دستتیب، در جلسه ۲۸ مرداد ۵۹ مجلس شورای اسلامی"

شکایت از دادگاههای مدنی خاص و احکام طلاق این دادگاهها، که در اکثریت خود به‌زیان زنان صادر شده، هم ناراضی و هم نگرانی در میان زنان برانگیخته است، که سخنان خانم دستتیب، در مجلس شورای اسلامی بر آن اشارت دارد.

روزی که قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص به تصویب شورای انقلاب رسید، ما نوشتیم که این دادگاهها باید بر اساس قوانین عدالت‌گستری که با خصلت انقلاب خلقی ما همخوان باشد، درباره مسائل و مشکلات خانوادگی موضع‌گیرند و حکم کنند و نه طبق قانون مدنی مصوب دوران سلطنت رضاشاه، که به گفته امام خمینی، از ادواری بوده که نسبت به زنان ظلم شده است.

متأسفانه دادگاههای مدنی خاص، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی را معتبر دانسته و مبنای قضاوت خود درباره اختلاف زن و شوهر قرار داده‌اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، که متعلق به دوران سلطه یک رژیم مستکمرطاعتی است، منحصر به مجرد حق می‌دهد که هر لحظه اراده کند، زن خویش را طلاق گوید. بهانه طلاق مهم نیست. آنچه مهم است، آنست که این ماده پیوسته مورد سوء استفاده شوهران بوالهوس و خودپرست و غیرمسئول بوده است، که خواست دل خود را مافوق مصالح جامعه، خانواده و زن و فرزند خویش قرار داده‌اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در دست شوهران بی‌فرهنگ تیشهای بوده که بر ریشه خانواده زده شده، و نزدیک طرفه‌المنین، زنی را که "همسر" و "مادر" بوده، در آغوش خانواده جای داشته و از امنیت برخوردار بوده، از دل خانواده برکنده و بادست و دامان‌تهی به خیابان انداخته و به سرنوشت نامعلوم سپرده است.

هنوز همین ماده طاغوتی بر سرنوشت زنان حکم می‌راند و شوهرانی، به تبع طبع بوالهوس و خواستن‌ها و نخواستن‌های خود، دست‌همسر خویش را می‌گیرند و به دادگاه می‌برند و دادگاه با حضور دوشاهدی که، به گفته خانم دستتیب، زوجین را نمی‌شناسند، صیغه طلاق، یعنی حکم درماندگی و بی‌پناهی زن را جاری می‌کند.

اگر درست است که در دوران سلطه جنایتکار پهلوی بر زنان ظلم رفته است، که رفته است، پس نظام انقلابی جمهوری اسلامی، که گوهر آن رژیم جبار بود، باید بتواند از زنان رفع ظلم کند.

نقش زنان ایران در جریان انقلاب پرشکوه ۲۲ بهمن و ادوار قبل از آن بر احدی پوشیده نیست. امام خمینی بارها با کلامی گرم و نافذ بر نقش ارزنده و برجسته زنان در جریان مبارزات مردم ایران گواهی داده و از آنان تجلیل کرده‌اند.

نظام جمهوری اسلامی ایران باید بتواند دست زنان را، که در جریان انقلاب، حماسه‌های رشادت و قهرمانی و پایداری و ایثار آفریدند، بگیرد و آنان را از اعماق تبعیض و ستم بیرون کند و بواج برابر زن و مرد بنشاند.

غالباً بر ضرورت شرکت زنان در مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی تا پیروزی نهائی تکیه میشود. این تکیه‌ای است منطقی، زیرا انقلاب ما بدون شرکت زنان نمی‌تواند بر آرمانهای استقلال‌طلبانه و خلقی خود دست یابد، و زنان به‌مثابه اعضا جامعه، نسبت به کشور و مردم خود وظایفی برعهده دارند، که انجام آن در صدر تعهدات خانوادگی، سیاسی و اجتماعی آنان قرار دارد. اما توجه به این وظیفه مهم، که زنان خوشبختانه در انجام آن سر بلند بیرون آمده‌اند، نه می‌تواند معنای نفی سایر وظایف زنان و نه نفی حقوق آنان باشد.

زنان مانند مردان وظایفی دارند و حقوقی، که باید این هر دو از سوی جامعه محترم شناخته شود. سلسله وظایف و وظایف همسری مادری، در جامعه، تعهدات سیاسی و اجتماعی نسبت به هم

و مردم، شرکت در حرات اقتصادی کشور و عهده و غمراه را در بر می‌گیرد. هیچ جامعه‌ای حق ندارد، بخشی از این وظایف را از زنان سلب کند، و اگر چنین کند، بمعنای آنست که نیروی نیمی از جامعه را نادیده گرفته و به تضییع بنیبه اقتصادی و سیاسی جامعه کمک رسانده است.

زنان در قبال وظایف خود در جامعه و خانواده دارای حقوق مسلمی در جامعه و خانواده هستند، که هیچ جامعه عادل و رشیدی حق ندارد بر حقوق اقتصادی و سیاسی و خانوادگی آنان خط بطلان کشد، و اگر چنین کند، به معنای آنست که جامعه عادل نیست، ظالم است، رشد نیست، رشد نیافته و خام است.

بدینسان آنجا که صحبت از برابری زن و مرد به میان می‌آید، نباید و نمی‌توان تنها از وظایف زنان در برابر جامعه سخن گفت و حقوق آنرا نادیده گرفت.

متأسفانه نظام جمهوری اسلامی ایران، این نظام برخاسته از قلب پرورش انقلاب خلقی ما، هنوز نخواسته و یا فرصت نیافته، آنگونه که شاید، به مسئله حقوق زنان توجه کند. همین مسئله است که نگرانی اقشار مختلف زنان را برانگیخته و نسبت به سرنوشت خود بیمناک

ساخته است. شایعات مربوط به باز خرید و باز نشیک‌رودتر از وقت زنان و شواهدی در این باره، افزایش طلاق در خانوادهها به علت سوء استفاده شوهران از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، دلالت بر بی‌توجهی به حقوق زنان دارد، که خانم دستتیب بدرستی از آن با جمله "عده زیادی از خواهان ما در حال خردشدن و نابودی هستند" یاد کرده است.

نظام جمهوری اسلامی ایران درصدا اقدامات خود باید به زنان استقلال اقتصادی دهد، یعنی امکانات شرکت زنان را در حرات اقتصادی کشور گسترش بخشد و نه آنکه آنرا محدود کند. بویژه در شرایطی که جامعه باید به وابستگی‌ها پایان بخشد و کشور را به مرز خودکفایی برساند، نمیتوان از میلیونها بازوی کار بی‌نیاز بود. امام خمینی بارها تأکید داشته‌اند که "اسلام مخالف با کار زنان نیست".

و اما این مسئله که زن باید در محیط کار از نظرمش و پوشش دچار افراط کاری نباشد، امری است که باید پذیرفت. وقتی استقلال اقتصادی زن تأمین شد و احساس انسان بودن و آزاد و مستقل بودن، در او بیدار شد و رشد یافت، آن وقت، اگر هم در زندگی خانوادگی بر او سستی رود،

رانندگان کامیونهای سنگین:

ضد انقلاب همین سرمایه‌دارهای بزرگ و دلالها هستند.

باید اینها را کنترل کند و در تالی اگر کمیسیون لازم است دولت بر دانه، چرا به هیچ دلالی پرونده اینها هر کدام هفته‌ای ۱۵۰ تا مائین پیمان می‌زنند با این حسابست اگر توی راه تصادف کنم و ازین بروم، خرج زودبچه ۲۲ بیرون!

راستی تمام این مشکلات و گران و گران و گران و گران برای اینست که بعد از انقلاب دولت این وسطها و دلالها را به امان خدا ول کرده و آنها از این انقلاب دارند بی سر و صدا سوء استفاده می‌کنند و خیلی هم قشنگ دولت باید این وسطها و دلالها را از این بیرون و خوشی به ما جنس بدهد در غیر اینصورت هر روز که بگذرد وسایل یدکی گرانتر خواهد شد.

با یکی دیگر از رانندگان، که یک بیژن خور ۲۲ تن داری به گفتگو می‌نشینیم:

مشکلات زیاد است. از یک طرف لوازم گیر نمی‌آید و مائین می‌خواهد و از طرف دیگر گرانترها هر چند بخواهند کمیسیون بپردازند، همه هم که نیستند. من الان ۱۱ سال است روی این کارم. هنوز همه نیستند. اگر توی راه تصادف کنم و ازین بروم، خرج زن و بچه ۲۲ چه میشود معلوم نیست.

بازنامه‌هایی را نشان می‌دهد:

مثلا این تره‌بار میدان است، ۱۰۰۰ تومان بر اینان بار زده (گرانتر) ۲۵۰۰ تومان برنشته، این دیگری بار درستی است که از ۱۲۰۰ تومان ۱۵۰۰ تومان برنشته. آخر کاغذبازی چند خرجی است؟

به غیر از کمیسیون، شبی ۱۰ تومان برای دالان، داری، و شبی ۱۰ تومان برای انبارداری پول می‌گیرند. اگر مائین سالم باشد و تقوای هفته‌ای سه سربوسی می‌روم، که سه توت ۴۰۰ تومان او برمی‌دارد، یعنی در عرض ۱۱ سال، من پول ۴ تا مائین به این گرانتر دارم!

اگر دولتی باشد که برای مستطمان کار کند باید یک کمیسیون ثابت بگذارد تا بداند چند به گرانتر باید بدهد.

مثلا در گرانتر ایلام در برابر ۱۵۰۰ تومان بار، گرانتر ۵۰۰ تومان کمیسیون می‌خواهد. اگر بگویی نمی‌دهم، می‌گوید دیگر توی این گرانتر نیا. اگر هم گرانتر نروم، بار ندارم. خود گرانتر که اینجا نیست، یک نفر پیرمرد را گذاشته کارش را بکند و خوشی هم معلوم نیست خارج است یا اینجاست.

ولی خوب، ما شب و روز داریم زحمت می‌کنیم، کدام راننده است که بتواند ۴۰ سال رانندگی کند از ۱۸ سالگی اقدام به این شغل. تا کارمان خرد بشود باید یک نفر توی این کار باشیم. بعد از یک نفر کارمان گدایی است و هیچ آینده‌ای هم نداریم.

رانندگان کامیونها، این زحمتکاران، که با تحمل مشکلات فراوان محمولات اقتصادی کشور را به مقصد می‌رسانند، عمق مشکلات خود را به خوبی می‌دانند و همچنین راحلهای آنرا.

تولت با در دست گرفتن صنایع و بزرگانی خارجی و ایجاد فروشگاههای دولتی، که دوامد احتیاجات اساسی این زحمتکاران را مستقما بدستشان برساند و با ثابت نمودن میزان کمیسیون بار و نظارت بر آن می‌تواند این زحمتکاران را به انقلاب دگرگن سازد و در این روند صفوف انقلاب را نیز مستحکمتر سازد. در غیر این صورت ضد انقلاب در توطئه‌های خود برای تاج کردن شرایط اقتصادی کشور و تشدید ناراضی، از این ناپایمانی سود خواهد جست.

شولند

سپس واقعه‌ای را در این زمینه تعریف می‌کند:

"رفته بودیم روغن نباتی یا بزنجب. از کارگری که آنجا بود پرسیدیم: شما مگر روغن تولید نمی‌کنید و یا کم تولید می‌کنید؟ می‌گفت: پشدا قسم تولید ما بیشتر شده و کمتر نشده است، راست هم می‌گفت، ولی دلالها و سرمایه‌دارهای بزرگ می‌خرند و پنهان می‌کنند و گران می‌فروشند."

از مشکلات دیگر او سؤال می‌کنیم، می‌گوید:

وقتی به شهرستان می‌رویم، مسافر خانه که صرف نمی‌کنند، مجبوریم شبها توی ماشین بخوابیم. هتل مسا مائین ما است. ما بیشتر می‌رویم ازلی، برای خواب نه گراز جا دارد و نه خودمان جایی داریم، مجبوریم توی مائین بخوابیم. تا حالا به سندیکا ۴۰ دانه گندیم و هیچ کاری نتوانسته بکنند. چندی پیش ازلی، را از آنها تصدیب کردند تا لاقل گرانترها جایی را درست کنند. ولی هیئتوری مائین گرانترها از باری که ما، زنجب، از تومالی یک قران تا تومالی ۴ ریال کمیسیون می‌گیرند. باز نامه را هم کامل بر نمی‌کنند و یا کم می‌توانند، تا هر چه قدر بتوانند بردارند.

با راننده ماکتفت کشی، که فاش عین‌الله است، به گفتگو می‌نشینیم. او قیلا در جاده ساره مکتفیکری داشته و به همین دلیل به چگونگی کمبود و گرانی قلمت یدکی آگاهی کافی دارد او می‌گوید:

"لوازم یدکی خیلی مشکل گیر می‌آید، هر کجا که می‌روی، نیست. از عده فروشهای قدیمی مثل عده فروشهای خیابان قزوین که بگذرد، دیگران عده فروشی نیستند. مثلا از این آقا می‌گیرند، و یا قاجاقی وارد می‌کنند، و لوازم هم دارند، ولی نمی‌فروشند. اینجا (تعمیر فروشها) می‌آیند دوره، مغازه به مغازه و طی می‌کنند که فلان جنس را از فلان قیمت ارزاتر نفروشند."

رفته بودم سوپاپ بگیرم، از آشنای خودمان هم رفتم بگیرم، فروشنده می‌گفت: آقا سوپاپ نیست، اگر باشد ما ۱۲ تانی می‌فروشیم و نه ۶ تانی. ۲۷۰۰ تومان هم می‌دهیم. همین رفیقمان را که می‌بینی (تومالی) را که در زیر مائین در حال کار است نشان میدهند (آسل (محوه) مائین‌مان را باز کرده بود و چهار روز اینجا خوابیدیم برای ۴ میل سنگست و شما بینی تعجب مکنی دو تا میله کوچک و دو تا پوش و چهار تا کلاه نهد، سه روز هینظوری ایستادیم، تمام تهران را زیر و رو کردیم. گفتند نیست. رفتم جاده ساره پیدا کردم. فکر میکنی چند؟ ۵۰۰ تومان!

و از مشکلات دیگری سخن می‌گوید:

"مائین ما تا کر است و شرکت نفت به ما بار می‌دهد، ولی این وسط عده‌ای دلال نام می‌انکار پیدا شده‌اند و فقط با کاغذبازی از ما کلاشی می‌کنند."

مثلا از اینجا می‌رویم آذنان تا برای رشت و میانه و قزوین و مشهد و یا هر جا که باشد، بار می‌زنیم. زن سر مائین خالی است. حساب کن که خرج مائین چند می‌شود. در این بین آخر می‌انکار چکاره است؟ پانزده یا یک ماه باید از مائین من برزاشت بکند؟ برای چی؟ به بهانه یه! و کاغذبازی!

یک ماه پیش از عید مائین تصادف کردم. یک تانکر را در زدیم و ۲۷۰۰۰ لیر گازوئیل ما ازین رفت. با اینکه پول گازوئیل را یه می‌دهد، به پیمانکار گفتیم: خوب، این کار را بایستد شما درست کنید، چون شما پیمانکارید و کمیسیون می‌گیرید و پول یه می‌گیرید. آخر قبول نکرد. میگفت دولت اینرا قبول نمی‌کند. دولت

در کشور ما قدیمترین وسیله حمل و نقل، که به یید وسیله کامیونهای سنگین و نیمسنگین انجام می‌گیرد که در جامعه‌های بین شهرها در حرکتند.

آنها یکی از شریانهای عده اقتصادی ایران فنز نایند قبل از انقلاب، سرمایه‌داری بزرگ در این بخش اقتصادی گسترش چشمگیری داشت و با بوجود آوردن شرکتهای بزرگ بازرگی به استند رانندگان و کلاک رانندگان بزرگ بازرگی و صاحبان و رانندگان که تنها یک کامیون داشتند می‌رساند.

پس از انقلاب اکثریت این عده، که به دربار فنز وابستگی هایش داشتند (از میانگرمی شاهپور غلامرضا بودند) فرار را بر قرار ترجیح دادند که خوشبختانه اخیرا شرکت‌هاشان ملی اعلام شده است.

در کنار این عده، سرمایه‌داران متوسط و کوچک این بخش قرار دارند، که با داشتن چندین کامیون (از ۵ تا بیش از ۱۰۰ کامیون و تریلی) و در جوار آن تصدیب گدایی بزرگ بازرگی به استند رانندگان نزدیک می‌رساند.

از این واقعیت که بگذردیم، اکثریت صاحبان کامیونها و تریلرها قرار دارند که با داشتن یک کامیون یا تریلی و یا کار سنگین و مشتتیز و خطرناک امرار مائین می‌کنند. این عده اکثریت زحمتکش این بخش اقتصادی را تشکیل میدهند.

با توجه به اهمیت، که این بخش در اقتصاد کشور دارد، غایب شدن قدر زحمتکش این بخش می‌تواند خطرات جدی به انقلاب نشاندیم. یعنی وقتی ایران وارد سازد این بخش مشکلات و محضلات خاص خود را دارد پس از انقلاب و پس از محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن از ورود قلمت و لوازم یدکی کمیون کوش یافت و در ارتباط با آن، سرمایه‌داران بزرگ و دلالان و واسطه‌ها قیمت این اجناس را به بی‌پناه کمبود و نبود آنها به چندین برابر افزایش دادند و به این شکل یکی از عوامل ناراضی در بین زحمتکاران را بوجود آوردند. از سوی دیگر سرمایه‌داران بزرگ که در کار توقف‌های بازرگی هستند، با استفاده از تملک‌های دولت موقت، با دست باز به سوء استفاده از رانندگان به شکل دریافت بجد و مرز کمیسیون بار پرداختند و به این شکل حلقه دیگر ناراضی را در بین این زحمتکاران تشکیل کردند.

داین زمینه با رانندگان به صحبت می‌نشینیم. یکی از آنان می‌گوید:

"اوقات (لوازم یدکی) نیست و اگر هم هست پنهان کرده‌اند و گران می‌فروشند. دیروز یه گازوئیل را باز کردم و رفتم بدینال ائات. یک روز از کار و زندگی رتبه ماندم و آخرش هم گیر زوردم، مجبور شدم همانطور یه را بیدم. الان کمترین ندارم. اول جفتی ۴۰۰۰ تومان می‌خریدیم، الان ۶۰۰۰ تومان هم پیدا نمی‌شود."

یکی دیگر از دوستان، که همراه است، می‌گوید:

"اول بلبرینگ می‌خریدیم ۱۳۰ تومان، الان می‌خریم ۸۰۰ تومان. چهارشاخه گرانتر اول ۸۰ تومان بوده الان ۵۰۰ تومان می‌خریم."

و راننده اولی به سخن ادامه میدهد:

"راستی را بخوای همه چیز در ایران هست. الان جنگها بر است. ما که می‌رویم بار خالی کنیم، می‌زنیم وسایل یدکی و مواد مصرفی هست. فقط یک نفر می‌خواهد اینها را از انبارها بکشد بیرون. صد انقلاب همین سرمایه‌داران بزرگ و دلالها هستند، جنس را گرفته‌اند و قانع کرده‌اند. یک نفر مثل آیت‌الله خلیفانی آدم می‌خواهد به جان اینها بیفتد و اینها را آدم بکند والا اینها آدم نمی‌

کامیابیهای نظام سوسیالیستی در لهستان

خبرگزاریها و رسانه‌های گروهی کشورهای امریالیستی اینروزها با اب و تاب فراوان درباره رویدادهای لهستان گزارش میدهند. این گزارشها اغلب چنان مبالغآمیز است، که انسان را یک ثروتمند روسای «افغانی» آنها مراندازد.

اگر به ماهیت دروغپرداز و تحریک‌انگیز این بلندگوهای منافع چپالکرانه امریالیستیها آشنا نبودیم، باورمان میشد که نه تنها رژیم کیرک در آستانه سقوط است (!)، بلکه خانواده کشورهای سوسیالیستی را هم «خطر فروپاشی تهدید میکند» (!).

بدبختانه برخی از رسانه‌های گروهی ایران هم، که ظاهراً از سیاسی‌های همین منابع «خبری» و خبرگزاریهای اجیر علیه انقلاب ایران درس نکرده‌اند، عین این اخبار گزاف‌گویانه و تحریفی را بخورد خواننده، شتوند و بیننده ایرانی میدهند و بازم از «تنگ‌های شوروی در روش» سخن میگویند.

شکی نیست که بارهای دشواریهای اقتصادی به بروز ناآرامیهای در برخی از نقاط لهستان منجر شده است، که عناصر مشکوک آنرا دامن میزنند. آنکیزه این دشواریها را، چنانکه انوار گیرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در نطق رادیو تلویزیونی ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ خود یادآور شد، قرون بر عوامل عینی فراوان، در بعضی از اشتباهات سیاست اقتصادی باید جستجو کرد.

انوار گیرک، نه تنها بر خورداتحادی حزب متحد کارگری لهستان را درباره مسائل جاری بصراحت بیان داشت، بلکه امکان و آمادگی حزب را برای پیگیری بر آنها متذکر گشت.

انوار گیرک گفت: «ما امکانات اقتصادی در اختیار داریم، که بکام آنها به حل موثر مسائل پرداختیم و افزود که: کمیته مرکزی حزب بزودی تدابیر لازم را در اینباره اتخاذ خواهد کرد.

اما آنهایی که اکنون بار دیگر میخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و از رویدادهای لهستان برای پیشبرد مقاصد پلید خود استفاده جویند، اصلاح‌نشان بحال زحمتکشان لهستان نوسخته‌اند. امریالیست‌ها ارتجاع جهانی در این کارزار تبلیغاتی مزررانه هدفهایی چندگانه را دنبال میکنند:

لهستان فرستی است دیگر برای پروژیسکرها، برای پیشبرد تاکتیک جهانسول کنونی و خطرناک امریالیسم آمریکا، مبنی بر تنفر از هم‌جانبه در همه‌گسترها و در سراسر جهان، آنهایی که در قاره آمریکا برای شکست انقلاب‌های کوبا و نیکاراگوئه و مقابله با جنبش‌های انقلابی آمریکای لاتین و دریای کارائیب به دسیسه‌های وسیع نظامی و سیاسی دست میزنند، در آفریقا تزارها در آفریقای جنوبی را با یسرکوبگری خلق خویش و تجاوز علیه رژیم‌های مرفی آفریقا تشویق میکنند، در خاور دور بکام هم‌زمان چینی خود و دیگر کشورهای دست‌نشاندهشان ویتنام، کامبوجیا و لاوس را تحت فشار قرار میدهند،

در خاورمیانه بیاری خائنانی چون سادات و تشویق‌سپه‌نویستی‌های اسرائیلی یا جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خلق‌های عرب، بویژه مردم فلسطین، به رویارویی می‌پردازند، در خود ایران ما شب و روز به توطئه‌پردازی‌متنولند، اینک میخواهند، این نقشه تشنج‌آفرینانه و خطرناک خویش را بیخیال خام خود به یک کشور سوسیالیستی، یعنی لهستان هم بکشند. اما کافی است که این کوته‌بینان و فراپوشکاران لحظه‌ای به دسیسه‌های همانند خود در جمهوری دمکراتیک آلمان، مجارستان، چکسلواکی و همین لهستان در دوران گذشته بیاندیشند، تا شاید از ناگامی‌های گذشته درس واقع‌بینی بگیرند.

هدف دوم امریالیست‌ها از «همبستگی» با زحمتکشان لهستان و «دفاع» از حقوق آنها آنست که، افکار عمومی را از بحران عمیق اقتصادی که باردیگر دامنگیر جهان سرمایه‌داری شده و در زحمتکشان «خود» آنها خشم و اعتراض گسترده برانگیخته است، منحرف سازند.

اکنون بیکاری و تورم در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته بیداد میکند. در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، که بیست و چهار کشور سرمایه‌داری جهان را در بر میگیرد، اینک ۱۸۹۰۰۰۰ نفر بیکارند. در ایالات متحده آمریکا و «جامعه اروپا» بترتیب ۳۳۰۰۰۰۰ و ۶۵۵۰۰۰۰ تن در جستجوی کارند. در بریتانیا ۱۵۲۳۰۰۰ نفر، در ایالتا ۱۸۸۰۰۰۰ نفر، در فرانسه ۱۴۴۰۰۰۰ نفر و در جمهوری فدرال آلمان ۸۷۵۰۰۰ نفر، از یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق کار محروم هستند. به پیش‌بینی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شماره بیکاران بیست و چهار کشور عضو آن، تا چهار ماه دیگر به ۲۰۱۵ میلیون خواهد رسید و بدین ترتیب رکورد جدیدی بجای خواهد گذاشت. تنها در فرانسه، آمریکا و بریتانیا نرخ تورم بترتیب ۱۵ درصد، ۲۰ درصد و ۲۱٫۸ درصد است. پیش‌بینی میشود که در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، در سال جاری فرآورده اجناسی ناوزده یک درصد کاهش یابد. این رقم (منفی) برای آمریکا چهار، برای آلمان غربی ۱٫۲۵، برای بریتانیا ۵٫۵ و برای ایالتا ۲٫۷۵ خواهد بود.

از سوی دیگر، همین لهستان، که اکنون کشورهای غربی را کارانه سنگین را به پیشینه میزنند و پیش از انقلاب و استقرار حکومت کارگری، بیکار از عقب‌افتادترین کشورهای اروپا بشمار میرفت، درست در پرتو نظام سوسیالیستی بوده، که در ۳۷ سال گذشته، در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، بویژه در گستره اقتصادی - اجتماعی به دستاوردهایی بس تکرف دست‌یافته‌اند. در اینجا فقط به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

* لهستان، در حالیکه ۱۱۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل میدهد، اینک ۲۲ درصد تولید جهان را بعهده دارد. تولید صنعتی این کشور در سی سال پیش، بیش از ۶۵ برابر شده‌است.

* در سالهای ۱۳۲۹-۵۷ درآمد ملی سرانه در لهستان ۹۴٫۴ برابر گردید. دستمزد واقعی زحمتکشان لهستان اینک دوبرابر بیکره مشابه

در سال ۱۳۴۰ است. تنها در ده سال پیش دستمزدهای واقعی در آن کشور ۵۰ درصد افزایش پذیرفت.

* در ده سال گذشته بیش از ۴۵۰ کارخانه جدید در شاخه‌های کلیدی لهستان ایجاد گردیده و موسسات صنعتی بیشتری تاسیس شده است.

* از آغاز بنیان‌گذاری جمهوری توده‌ای لهستان تاکنون بیش از ۱٫۱ میلیون نفر دختر و پسر از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند (۶۳۰ هزار نفر آنها در دهه اخیر). شماره دانشجویان لهستان به نسبت هر ده هزار شهروند آن کشور ۱۳۸ است.

* در ده سال گذشته، ۲٫۷ میلیون خانه جدید در لهستان ساخته شده‌است. بدین ترتیب یک چهارم جمعیت لهستان در این مدت صاحب‌خانه نوساز شده‌اند. شماره خانه‌های نوساز از ۲۴ در هر ده هزار در سال ۱۳۲۰ به ۸۳ در هر ده هزار در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و بدین ترتیب از رقم مشابه در اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، از جمله آمریکا، سوئد، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایالتا، بیشتر است.

* هزینه خدمات اجتماعی در لهستان در چهار سال پیش ۱۹۵ میلیارد زلوتی بود، که در پنج سال آینده به ۲۴۰-۲۶۰ میلیارد زلوتی افزایش خواهد یافت.

* در سی سال گذشته شماره پزشکان لهستان به نسبت هر ده هزار شهروند از ۶٫۶ به ۲۳٫۳ رسید.

بنابراین پیروزیهای اقتصادی - اجتماعی لهستان سوسیالیستی در دهه‌های گذشته چنان چشمگیر و درخشان بوده‌است که، تنها مغرضان میتوانند، برخی از دشواریهای کنونی و موقت را بهانه گیرند و همه دستاوردهای جمهوری توده‌ای لهستان را زیر سؤال قرار دهند. نه، صد آنها فقط آنست که بیاری برخی «گروه‌های غیر مسئول، هرج و مرج طلب و ضد سوسیالیستی» و با برانگیختن احساسات ناسیونالیستی، بخيال خود «لهستان سوسیالیستی را از درون منجر سازند. زهریندار باطل! چه، همانگونه که انوار گیرک خاطر نشان ساخت:

«وظیفه ماست که در نهایت قاطعیت اعلام داریم که هیچگونه اقدام ضد نظام سیاسی و آرامش عمومی لهستان را تحمل نمی‌کنیم و نمیتوانیم کرد. در مورد مسائل اصولی، انتظار هرگونه سازش، مصالحه و حتی تردید برجلست... نظام سوسیالیستی را نمیتوان از منافع ملی لهستان جدا بحساب آورد. لهستان، برای آزادی و مستقل و مرزهای آن از تجاوز مصون بماند، باید نظام سوسیالیستی خود را حفظ کند. نظام سوسیالیستی لهستان دارای اهمیت بین‌المللی است و یکی از عوامل کلیدی نظمی است، که پس از جنگ دوم جهانی در اروپا شکل گرفته است.

امریالیست‌ها بیهوده تلاش میکنند، که خلق‌ها را از راه سوسیالیسم، یگانه‌راه آزاد زیستی و بیروزی راستین بشریت، بلزدارند. هر چند که، راه پیشاهنگان تحقق این آرزوی والا و دیرینه انسانها، دشوار و پیر بیخ و خم باشد.

«جبهه ملی مترقی» سوریه را بشناسیم

جبهه ملی مترقی سوریه (به عربی: جبهه الوطنیه التقدمیه)، که هشت سال پیش تاسیس یافت، یکی از دستاوردهای مهم جمهوری عربی سوریه بشمار میرود. این جبهه، که نخست از حزب بعث، حزب کمونیست سوریه، جنبش سوسیالیست‌های عرب، اتحادیه سوسیالیستی عرب و سوسیالیست‌های متحد، تشکیل میشد، از بهار اسامال همچنین فدراسیون سندیکاهای کارگری را در بر میگیرد. حافظ الاسد، رئیس جمهوری سوریه، ریاست جبهه ملی مترقی را بعهده دارد.

بموجب منشور و آئین‌نامه جبهه ملی مترقی، مهم‌ترین وظایف این سازمان عبارتست از: تحکیم و گسترش پایه‌های توده‌ای اجتماعی و سیاسی حکومت؛ بررسی مسائل مربوط به صلح و جنگ؛ بحث درباره فعالیت‌های مشخص دولت، بویژه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی.

بدینسان، جبهه ملی مترقی، از یکسو ائتلافی است از سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی، و از سوی دیگر بخشی از قدرت حکومتی. در انتخابات اخیر شورای خلق (پارلمان) سوریه، جبهه ملی مترقی لیستی از ۱۹۵ نامزد مشترک خود را به مردم معرفی کرد، که ۱۴۴ تن آنها انتخاب شدند.

امریالیسم و ارتجاع تلاش بیکر می‌ورزند، تا با «تبات‌زدایی» در داخل سوریه، رژیم آن کشور را از مناسبات ضد امپریالیستی‌اش بزدارند. از اینرو، در حدود یکسال پیش، جبهه ملی مترقی سوریه برنامه جامعی از اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تدوین کرد که، هدف آن بهبود وضع اقتصادی، سترابط زندگی زحمتکشان و کار دستگاه دولتی است. همچنین قرار است که فعالیت «شورای خلق» و ارگانهای اداری محلی گسترش یابد و توده مردم هرچه بیشتر در حل مسائل اجتماعی مشارکت کنند.

در آستانه انتخابات پارلمانی پرتقال، اوضاع داخلی این کشور روبه‌وخامت می‌رود

در حالیکه مدت زیادی به انتخابات پارلمانی پرتقال نمانده است، اوضاع داخلی این کشور روز به روز خیرتر میشود. عواملی مانند عدم رضایت گسترده قشرهای وسیع خلق از دولت، وخامت روزافزون روابط میان دولت و دست راستی و احزاب دموکراتیک و افزایش هزینه زندگی و تورم فزاینده و بیکاری بروخامت اوضاع دامن میزند.

از سوی دیگر ساکارینو نخست وزیر دست راستی پرتقال، بسا یک رسوائی بزرگ مالی روپرو شده است. اعلام شده‌است که ساکارینو از مقام خود سوء استفاده کرده و مجالس هنگفتی به بانکه‌های ملی شده کشور بدهکار است.

احزاب کمونیست و سوسیالیست ضمن اشاره به جزئیات این رسوائی، خواهان تحقیقات ویژه پارلمانی شده‌اند.

سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان ضد انقلابیون افغانی در کابل ب معرض تماشا گذاشته شده است

ژنرال محمدرفع، وزیر دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان، اراجیف روزنامه دست راستی دلی-تلگراف را مبنی بر اینکه گویا «شورشیان» شهر هرات را کنترل میکنند، بر اساس خواند و این گزارش را بیاد تسخر گرفت.

وزیر دفاع افغانستان گفت که آکاذیب دستگاه‌های تبلیغاتی و خبرگزاری‌های غربی اکنون کاملاً رسوا شده‌است و خبرنگاران خارجی میتوانند خصصاً بر اساس بودن این اراجیف را مشاهده کنند.

وزیر دفاع افغانستان گفت که سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان، که از ضد انقلابیون بدست آمده‌است، در کابل ب معرض تماشا گذاشته شده است.

امریکا برغم هیاهوی توخالی درباره حقوق، به هیچیک از قراردادهای مربوط به حقوق بشر نیبوسته است

اجلاس چهارهفته‌ای کمیته فرعی جلوگیری از تبعیض نژادی و حفظ حقوق اقلیت‌های ملی، که یکی از ارگانهای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است، در ژنو کار خود را آغاز کرد.

۲۶ کارشناس از کشورهای مختلف جهان از جمله نقش‌فاختی حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، عرب بوسیله سپه‌نویست‌ها، تضییع آزادی‌ها و حقوق بشر در شیلی و دیگر کشورهای دیکتاتوری را مورد بررسی قرار خواهند داد. بویژه به مسئله سرکوب سیاه‌ان آفریقای جنوبی توجه خواهد شد.

این اجلاس وظیفه دارد که راه‌های بسج افکار عمومی جهانیان را نسبت به پدیدهای شرم‌آور و بی‌رحم کنشی چنانیکارانه از کار کودکیان و کارگران مهاجران، که در بیاری از کشورها از هیچگونه حقوقی برخوردار نیستند، مورد بررسی قرار دهد و کشورها را تشویق کند که به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مهم، مانند میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و کنوانسیون بین‌المللی اسباب تمام اشکال تبعیض نژادی ملحق شوند.

این واقیعت جلب توجه میکند که امریکا برغم هیاهوی توخالی درباره حقوق بشر به هیچیک از این قراردادهای نیبوسته است.



حزب کمکراتیک ملی پاکستان رژیم ضیاعالحق را محکوم کرد

حزب دموکراتیک ملی پاکستان با انتشار بیانیه‌ای شدیداً رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده ضیاعالحق را بیداد حمله گرفت و اعلام کرد که حضور باندهای ضد انقلابی افغانی در پاکستان برخلاف منافع ملی کشور است. این حزب در بیانیه خود اضافه کرد که رژیم ضیاعالحق تلاش دارد بیشترانه تحت نام مقصد اسلام دموکراسی را در کشور نابود کند، در حالیکه اقدامهای رژیم ضیاعالحق کاملاً با اسلام مغایرت دارد.

آمریکا و چین علیرغم شکست، به تلاش خود برای مداخله مسلحانه در امور افغانستان ادامه میدهند

روزنامه پراودا، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که تلاش امریالیسم آمریکا و چین برای سرنگون کردن دولت انقلابی افغانستان یا شکست روپرو شده و دولت انقلابی از حمایت فزاینده و گسترده توده‌های مردم برخوردار میشوند.

پراودا با این حال تاکید کرد که امریالیسم، برغم این ناگامی، تلاش خود را برای مداخله در امور افغانستان افزایش داده و حتی سلاح شیمیایی در اختیار باندهای مسلح قرار میدهد.

با اتحاد شوروی از موضع قدرت نمیتوان سخن گفت

روزنامه ایوستیاد درباره استراتژی جدید هسته‌ای آمریکا نوشت: اتحاد شوروی هرگز اجازه‌منداده و در آینده نیز اجازه نخواهد داد که با آن از موضع قدرت صحبت شود، و هرگونه تلاشی برای بدست آوردن برتری نظامی نسبت به اتحاد شوروی محکوم به شکست است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آغاز محاکمه متهمان فاجعه سینمار کس

سرانجام پس از مدت‌ها، که از تقاضای گروه‌های مختلف مردم مبنی بر محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست و حاکمیت شرع حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، در محل سینما نفت آغاز شد.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز نیز هست، در اولین جلسه دادگاه از جمله، در مورد توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس قضیه دادستان انقلاب، کیفرخواست تطهیری علیه متهمین را قرائت کرد.

لازم به تذکر است که از ۳۲ شتم احضار شده به دادگاه، تنها ۲۶ نفر در دادگاه حاضر بودند و محاکمه ۶ نفر دیگر بمسورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ما ضمن ابراز خرسندی از تشکیل دادگاه انقلاب برای بررسی این جنایت هولناک، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی با قاطعیت و جدیت در کشف جزئیات این حادثه نمود و مجازات مسببین آن اقدام کنند و بدین ترتیب بار دیگر نشان دهند که دادگاه‌های انقلاب تبلور ختم توده‌ها علیه جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم جهانی میسر گردگی آمریکای جهانخواهر هستند. محاکمه و مجازات سریع این جنایت پاستخ منتهی به خواست مردم انقلابی ایران و مخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهد بود.

محدود ساختن...

ولی با تاسف باید گفت که، علیرغم اعلامیه دادستانی کل کشور، یورش به مراکز حزب توده ایران در شهرستانها نه تنها ادامه یافت بلکه تصمیمات غیرقانونی درباره مشروعیت فعالیت حزب از سوی برخی مراجع اتخاذ گردید. دادسرای انقلاب اسلامی در آبادان و خرمشهر، اخیرا با وارد آوردن اتهامات بی‌اساس، پیش خود تصمیم گرفته است، تا فعالیت حزب توده ایران را در این دو شهر «منوع» اعلام کند.

موج مخالفتی که علیه حزب توده ایران برخاسته، بی‌شک در پشت سر خود دست امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دستپروزمه‌اش را دارد. ولی نمیتوان کسان کرد که برخی عناصر ناآگاه و متصب نیز به این موج درغلطیده و به دام افتاده‌اند، که دشمن تعیین کرده است.

هشدار ما به اینگونه عناصر است، که خود را وفادار به انقلاب و پیرو خط امام میدانند، اما با رفتار و عمل خود آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. بلندگویان آشکار امپریالیسم، چون بختیار و نژی، با کین و خصومت حیوانی از حزب توده ایران سخن می‌گویند و خط و نشان میکنند که در صورت موفقیت در کسب قدرت، تحمل تودماها را نخواهند کرد. آن عناصر ناآگاه از صفوف انقلاب که با همان کین و خصومت درباره حزب توده ایران به داوری می‌تپند و در عمل نشان دادند که تحمل تودماها را ندارند، آیا هرگز یا خود اندیشیده‌اند که چرا در این عرصه در کنار بدترین دشمنان انقلاب ایران جای گرفته‌اند!

تصحیح

در خبری که در نامه مردم شماره ۳۰۹، مورخ ۲۶ اردیبهشت ۵۹، تحت عنوان جریان یک دادگاه درج گردید، اشتباهاتی رخ داده است که به شرح زیر تصحیح میگردد:

- ۱- آقای فرامرزی صمیری، ساکن روستای زید علیا، کسرنده یرق منطقه‌ای است.
 - ۲- مالک روستا در ده زید علیا زندگی نمی‌کند.
- همچنین آقای فرامرزی صمیری مدتی بعد از جریان دادگاه مجدداً به دادگاه احضار و مدت ۴۸ ساعت، به مجرم‌تحریریک روستائیان به تصرف عدوانی بازداشت میشود. وی با قید ضمانت به مبلغ یک میلیون ریال آزاد شده است.

ساعت ۳ بعداز ظهر روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ۵۹، عمده‌ای از افراد غیرمستول و ضدانقلابی به دفتر حزب توده ایران در شیراز هجوم بردند و اسلحه و وسائل موجود در دفتر را غارت کردند.

حمله کنندگان، که پیرازشکستن قتل‌وارد ساختمان شده بودند، تمام شیشه‌ها و درو پنجره را خرد کردند، مالی وارد کردند و تمام میزوسندلی و دیگر وسائل موجود در دفتر را با چند وانت به مسجد فضیلمی شیراز بردند.

معیار پاکسازی

پتیه از صفحه ۱

طریق اعمال زور و کتار گذاردن هر کس که در چارچوب معنی فکر نمیکند و نمیتوانند فکر یکدگر، چنین قنایع و خبیثی به بار خواهند آورد که اثراتش سالیان دواز یاقی خواهد ماند. اصل زور منجر به پنهان کردن عقیده، دورویی و مبارزه مخفی می‌شود و اگر رژیم انقلابی یا توده روشنفکران چنین برخوردی داشته باشد راه را برای نفوذ ضدانقلاب در صفوف روشنفکران هموار میکند. توازن نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را بسود ضدانقلاب برهم می‌زنند و چنین روشی جز یاری رساندن به ضدانقلاب نیست. بنابراین با توده روشنفکران چه باید کرد؟

آیت‌الله منتظری باین سؤال پاسخ میدهد و بسود انقلاب پاسخ میدهد:

روشنفکران، در هر جا که هستند اگر علیه انقلاب توطئه نمی‌کنند باید از آنها حداکثر استفاده را به عمل آورد.

این برخورد صحیح با روشنفکران نقطه مقابل طرز فکر کسبی است که میخواهند همین امروز همه را «مکتبی» کنند و چون هر کس نیز تصیری از مکتب دارد، جریان پاکسازی نیز به مکانب مختلف تقسیم شده است.

زبان این پاک‌سازی، که میتواند سریت چیران‌ناشدنی به سازندگی کشور بزند، قنیل پتیرتیمی نیست. باید رهنمود آیت‌الله منتظری راه، که موافقت امام نیز پشتوانه آنست، صد در صد پذیرفت و آنرا با دقت پیاده کرد و اگر در جتی پاکسازی یا این معیر انجام نگرفته است، بدان تجدیدنظر نمود.

در عین حال نظام انقلابی ما باید روشنفکران خدمتگزار خود را تربیت کند.

یکانه شیوه ایجاد تحول در جهان بینی و تفکرسی روشنفکران شیوه آفتاب است که باید با صبر و حوصله، آنچه را که رژیم شاهنشاهی طی سالیان درواز در مغز آنان جای داده است، بیرون آورد و اندیشه‌های درست را بجای آن نشاند.

دهها و بلکه صدها سالست کهما اسیر مظاهر «مندن» سرمایه‌داری غرب و تسلیم بلاشروط در برابر آن هستیم. اکثر روشنفکران ما هر پدیده‌ای را یا «نیازهای همین مندن» می‌سنجند، در حالیکه این «مندن» در اساس خود منسحق است. روشنفکران ما بدون مبارزهای شدید که باید در سراسر جبهه انقلاب فرهنگی انجام گیرد، نمیتوانند خود را از قید اسارت فرهنگ سرمایه‌داری بره‌اند. این مبارزه را نباید های دولتی باید آغاز و بیگیرانه دنبال کنند، تا بتوانند روشنفکران ما را نه تنها از قید اسارت فرهنگ سرمایه‌داری، بلکه همچنین از خطر لغتادن در دام توطئه ضدانقلاب بره‌اند.

بر تردید در بین این گروه از روشنفکران نیز کسبی پیدایشوند که بهیچ صراطی مستقیم نخواهند شد و بلکه با شبکه‌های ضدانقلاب نیز

یکماه پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور، دفتر حزب توده ایران در شیراز مورد هجوم و تخریب قرار گرفت

حمله عناصر غیرمستول و ضدانقلابی به دفتر احزاب و سازمانهای سیاسی همچنان ادامه دارد

ضدانقلابی می‌گذرد و طی این مدت سایر مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز این اعمال را محکوم

با اینکه نزدیک به یک ماه از صدور اعلامیه دادستانی کل کشور در مورد محکوم کردن این گونه اعمال

همکاری خواهند کرد. حساب این توطئه‌گران چداست و ضدانقلابین

چندان کم است که، از روی آنان نباید درباره تمام روشنفکران حکم کلی کرد.

تردید نیست که اگر ما سیاست درست و روشنی در مورد روشنفکران (همان توده‌ای که گفته شد) در پیش بگیریم، میتوانیم اکثریت آنان را یخست انقلاب در آوریم. باید به روشنفکرانی که توطئه‌گری نمی‌کنند فرصت داد که در عقاید غریبه خود تجدید نظر کنند. باید دانست که روشنفکران صادق (آنان که در فکر توطئه‌گری نیستند و اکثریت عظیم روشنفکران را تشکیل می‌دهند) ثروت عظیم این آب و خاکند، یکی از بزرگترین صدماتی که امپریالیسم به کشورهای در حال رشد زده و میزند، «دزدی مغزهاست» که خودشان آنرا مانند کما، اصطلاحاً «خشان مزدباز» فرار مغزها می‌گویند و در این اصطلاح در مورد ایران بخصوص پس از انقلاب، معنای خاصی را می‌گنجاند که گویا روشنفکران ایرانی از جبهه‌گریخته به دامان پیرمهر، امپریالیست‌پاناهند میشوند!

ولی اکثر این روشنفکران فراری از همان گروه اولند و در وطن اصلی خودشان نیز کار نمی‌کنند و از پول-هژتیکه دزدیده‌اند، میخورند. برخی دیگر نیز روشنفکران «نازکدلی» هستند که طاعت شتین کمتر از گل را ندارند و متوجهند که در ایران پس از انقلاب نیز زحمتکشانی آنها همان رفتار سابق را داشته باشند. مثلا یک کارگر در برابر پهنس مرده بیحرکت باشد و یا یک زحمتکش بیمار بیاید و در برابر اطاق معاینه پزشک کردن که کرده منتظر دستور آقای دکتر بشود که او را معالجه خواهد کرد یا نه.

ما منکر آن نیستیم که در کشور ما پس از انقلاب، در این زمینه زیاده رویهای شده و انقلابت نامقولی انجام گرفته است. اما اگر روشنفکری به این خلق و این آب و خاک غلغله‌ای در دل خود احساس میکند باید تحمل این زده رویها و اقدامات نامقول را هم بکند، زیرا در نظام شاهنشاهی، پدیده‌ای که در ثروت مادی در قلب غیرقابل قیاس بوجود آمده بود، در ثروت منوی نیز بین روشنفکران و توده‌های مردم همین فاصله موجود داشت. ۶۵ درصد بیسواد در برابر مثنی روشنفکر، بخصوص در رشته پزشکی، که زحمتکشان برای کسب تخصص آنان میلیونها تومن پول داده بودند. آن کار-شناسی که کشورش را در چنین حالی میگذارد و میبرد، یا ایران و مردمش را بطلای ندارد.

اما کسبی که برای «دزدی مغزها» بوسیله امپریالیسم شرایط بوجود می‌آورند نیز گناهکارند و آیت‌الله منتظری بهمین نکته اشاره کرده می‌گوید:

در عین حالی که باید امر تصفیه اجرا شود و افراد ضدانقلاب و افراد توطئه‌گر پاکسازی شوند، ولی در عین حال باید مواظب باشند مغزهای پرارزشی که در کشور هست، تصفیه

کشف شبکه کودتای تیرماه در نیشابور

در ادامه کشف و دستگیری عوامل توطئه کودتای تیرماه، شبکه گسترده‌ای از کودتای نافرجام در نیشابور کشف شد. در پی کشف این شبکه، محمد جعفری، سرپرست شرکت تعاونی و روستایی دهات ماروس و خاتلق دستگیر و روانه زندان شد. در هنگام دستگیری جعفری، تعداد بیست‌و‌سه اسلحه از خانه نامبرده بدست آمد. هسر جعفری، که قبلا دستگیر شده بود و فعلا آزاد شده است، اعتراف کرد که شوهرش ۷۰ قیسه اسلحه خریداری کرده و با سراسر کودتاچیان به تهران فرستاده است. محمد جعفری چندبار به آمریکا سفر کرده بود. در ارتباط با محمد جعفری و توطئه کودتای نافرجام، یکی از آموزگاران

پخش آزادانه مواد مخدر در روستاهای مراغه

از این کار کوتاهی میکنند. جادار در که مقامات محلی درام مبارزه با مواد مخدر، که در حال حاضر بطور ضریبی توسط حجت‌الاسلام خلیفای و گروه ضریب انجام میگیرند، اقدامات جدی بعمل آورند

تاسر کوب قطعی...

پتیه از صفحه ۱

پتوریکه اخیرا سیاستمداران و روزنامه‌نگاران مطلع نوشته‌اند، دولت استراتژیک (جزیره دیکو-گاریسا در اقیانوس هند، جزیره مصریه در سواحل عمان و بتدریج بره در کنار باب‌المندب)، که پتاکون درست کرده و بانواع سلاح‌های تازه مجهز نموده است، بخشی از نقشه تجاوزکارانه جبهانی، امپریالیسم جهانخواهر است، که اکنون در توت اول علیه جمهوری اسلامی ایران، سواحل جنوبی و منابع نفت خیز آن متوجه است.

و بالاخره درباره پاکستان باید گفت که در پی دیدار اخیر ضیاع‌الحق (وصدام حسین) از ملک خالد و قرار اعزام یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان (در مقابل ۱ میلیارد دلار) به عربستان سعودی (که ۴۰۰ نفر آن هم اکنون وارد عربستان سعودی شده‌اند)، همستی نظامی پاکستان با عربستان سعودی (و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده منطقه) در طرح کلی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران گسترش یافته است.

از این منظر خارجی که بگذریم، امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، همه دستگاههای جبهنی خود را در راستگن و لندن و پاریس بکار انداخته، به تهیه زمینه یک

تسوند و از کشور خارج نگردند. بالاخره باستی متافی و مصالح کشور اسلامی ایران در نظر گرفته شود... کسب به افرادی که وجودشان یارزشی است و اهل توطئه هم نیستند باید ارفاق کرد و از وجودشان قطع کشور استفاده نمود.

آیت‌الله منتظری پیزان منجش را در مورد برخورد با روشنفکران درست تمین کرده‌اند: از روشنفکری که عقاید دیگری دارد، ولی توطئه نمیکند، باید استفاده کرد، و توطئه‌گر را، هر چند تخصصی

کرده‌اند، ولی هنوز هجوم عوامل ضدانقلابی و غیر مستول به‌دفاقر احزاب و سازمانهای سیاسی، یونره حزب توده ایران ادامه دارد.

مقامات مسئول باید هر چه زودتر، بطور جدی جلوی اینگونه اعمال را؛ که تنها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بر اعتبار می‌کند و اعتبار و حرمت مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را زیر سؤال قرار میدهد و در شرایط مشخص فعلی زمینه تحقق توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا را فراهم می‌سازد بگیرند.

نیشابور بنام هاشمی و ۲۱ نفر از اهالی روستای حاجی‌آباد از توابع نیشابور توسط سیاه پاستاران این شهر دستگیر شده‌اند. گفته میشود که این افراد از چاقادارانی بودند که در دوران انقلاب به شهر حمله‌ور شدند.

لازمه تذکر است که جلدی یکی دیگر از عوامل این توطئه‌شوم علیه انقلاب ایران نیز از اهالی نیشابور بوده‌است.

ما از مقامات مسئول میخواهیم که با پیگیری ارتباطات این شبکه مخوف در نیشابور و با دستگیری تمام عوامل موثر و یاری‌دهنده آن، ریشه‌شد انقلاب را در این خطه از بین ببرند و انقلاب را در مسیر رشد خودیاری رسانند.

مقامات مسئول میخواهیم که با پیگیری ارتباطات این شبکه مخوف در نیشابور و با دستگیری تمام عوامل موثر و یاری‌دهنده آن، ریشه‌شد انقلاب را در این خطه از بین ببرند و انقلاب را در مسیر رشد خودیاری رسانند.

از این کار کوتاهی میکنند. جادار در که مقامات محلی درام مبارزه با مواد مخدر، که در حال حاضر بطور ضریبی توسط حجت‌الاسلام خلیفای و گروه ضریب انجام میگیرند، اقدامات جدی بعمل آورند

کودتای ضدانقلابی جدید در داخل ایران و بسج و تجهیز پستاندهای سرکوب‌کننده سواک و قراربان نیروهای مسلح «آریامهری» مشمول است، که هر روز نمونه‌های جنایتبار آنرا، که یکی پس از دیگری فاش رسوا میشود، می‌بینیم.

در این شرایط، اهمیت فوق‌العاده آماده‌باش ستاد عملیات مشترک غرب کشور، بخوبی آشکار میگردد. از اینرو ما دیروز، بلافاصله پس از صدور اعلامیه، اعلام کردیم که این اقدام از گانه‌های مربوط و مسئول جمهوری اسلامی ایران اقدامی است صحیح، بیجا و ضروره که لازمستدر همزمینه‌ها گسترش یابد. شایسته است که همه نیروهای راستین انقلاب، با توجه کافی به حساسیت فوق‌العاده لحظه کنونی، به اهمیت آماده‌باش عمیقا بی‌برند و با استقبال از این اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران، در جهت اجرای درست آن تدابیر لازم برپایندیشند و توصیه‌ها و رهنمودهای نیرووری را به همه مردم در منطقه و در سراسر کشور بدهند.

نظام جمهوری اسلامی ایران را، که مهمترین دستپارده انقلاب شکوهمندان برهبری امام خضنی است، در مقابل دسایس بی‌درسی و توطئه‌های گسترده امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش، تحکیم کنیم و به پیش بریم.

برجسته داشته باشد، باید بسود انقلاب تصفیه کرد، زیرا چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر پرد کلاه. یک متخصص برجسته مثلا در مورد صنعت نفت، که توطئه‌گر بدستمی-تواند زبانی وارد کند که تنها پس از زیاد سال بتوان خرابکاری او را کشف کرد.

مرز تصفیه از میان توطئه و همکاری میگذرد. در مسئله برخورد با روشنفکران جای خود، کامکی نیست. خودکامکی در این مسئله لطسات جبران‌ناپذیر به کشور خواهد زد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم، فعلا
در اشغال عناصر
غیرمستول است)
NAMEH
MARDOM
No. 317
26 August 1980
Price:
West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود